

که رفتار خوب و خوش سلوکی و انصاف مابین کل  
 دول فرنگستان بشود و برسم خوردگی و مغایرت  
 و حرف و بحث مخالفت موقوف کرد و خیال اهل دولت  
 جمهوریه خیال برسم زدگی بود و لکن منظور لوی ناپلیان  
 نگاهداری و نظم است  
 پرورشیه

در اجلاس وزرای این ولایت بعد از مشورت با  
 قوستان متفقاً باین قرار گرفته است که قشون راقده  
 زیاد بکنند و از هر سبب مدارک جنگ میسند که  
 آماده اتفاقیات باشند که اگر اتفاقی بیفتد دولت  
 بی مدارک نباشد

در شهر برلین پامی تخت این مملکت در روزی که دو  
 رخ کرده اند شاهزادگان این مملکت و کل اعیان  
 صاحب منصبان زیاد جمع شده اند و مجلس تعزیر  
 بقاعده خودشان بجهت احترام او برپا کرده اند

### ساروشیه

مدتی بود که مابین این دولت و پاپای رومه حرف  
 و بحث مخالفت بود درین روزها نوشته اند که گمان  
 است که گفتگوی خودشان را تمام بکنند و دوستی  
 و موافقت مابین آنها قایلیم و برقرار شود

### رومه

از شهر رومه نوشته اند که چند وقت پیش ازین بنا بود  
 که قشون فرانسه بعد از برسم زدن قاعده جمهوریه  
 و رفع اعتقاسش و برقرار نمودن پاپا از ساخوی اینجا  
 در محض باشند حال برعکس آن می نویسند و میگویند

وزیرکی از روزنامه های ویتنه پای تخت استریه نوشته اند  
 که حال نزدیک است که قاعده پادشاهی باز در مملکت  
 فرانسه برپا نمایند سابقاً وقتی که در دولت فرانسه  
 اعتقاسش بود و پادشاه را بیرون کردند و دول دیگر  
 داخل و تصرف در امورات فرانسه میکردند اما این بار

اول است که سایر دول فرنگستان هیچ وجه داخل  
 تصرف با امورات این ولایت نکردند لوی ناپلیان  
 نگاهداشتن نظم در ولایت فرانسه و خاموش کردن  
 نایزه اعتقاسش در آن ولایت بسیار کار عهده و بزرگ  
 کرده است بلکه در قوه کم کسی بود که چنین از عهده برآید

و ازین جهت امید داریم که برقرار شدن لوی ناپلیان  
 پادشاهی آن مملکت باعث خیر و نظم آن ولایت شود  
 که از امی و امنیت در آن ولایت پیوسته و دایم الاوقاف  
 باشد و روز بروز آن ولایت در امورات داخل خودش  
 کارش منظم شود و پیش برود و دوستی آنها نسبت

به دول خارج محکمتر و بهتر شود بسیار خوشحال شدیم که  
 لوی ناپلیان با آنها که دولت جمهوریه میخواستند بنا  
 برسم زده است که فکر آنها فکر باطل و بیاپه بود و باعث  
 خرابی ولایت می شد رای که پیش گرفته است را آنچه  
 و جان راه است که دولت فرانسه را از خرابی و خرابی

سابق بیرون می آورد از آنچه امیدوار هستیم که لوی ناپلیان  
 موافق عهدنامه که دولت فرانسه با دول خارج دارد  
 نماید و کل عهود و شروط و فقرات آن عهدنامه را موافق  
 حق و انصاف و قواری که گذاشته شده است نگاهدارد

که قشون مزبور در آنجا باید بماند سهل است که قشون دیگر نیز از فرانس با ولایت خواهند نوشتند

### سوئیس

از مملکت سوئیس نوشته اند که بنیاد از شهر زیوریه که در آن مملکت میباشد الی شهر لیپان که در مملکت فرانسه است راه آهن بجهت تردد کال که بخار سازند و هر دو دولت فرانسه و سوئیس اخراجات آنرا موافق حساب و در معین بگذارند چونکه این ولایت که متان است و موا قاعده ساختن راه مزبور که باید بسوار باشد اشکال دارد اما از راه که بعد از ساختن راه مزبور منفعت زیاد خواهد برداشت کمان است که درین ایام ساخته شود

### میکلی دنیای شمالی

چونکه ایام معین بجهت مأمور کردن یکی از اهل این دولت بقصد پروردگاریت که تا مدت چهار سال بزرگ دولت جمهوری باشد نزدیک است مردم در بلوکات جمع میشوند و کوشش میکنند که یکسپند خودشان باشد تا این بزرگ دولت نمایند بجهت سخت مابین اهل سمت جنوب این دولت و سمت شمال در باب گرفتن و نگاهداشتن غلام و کثیر سیاه است رعایای رزاعت کار بلوکات سمت جنوب این ولایت که نزدیک بجزایر است و حاصلش بنه و شکر و سایر محصولات کرسیری است کلاً غلام و کثیر سیاه اند و منهای ظلم و اذیت از آقا بان خودشان می بینند خوراکشان بد و لباسشان بدتر است و آقا بان آنها درست با آنها مثل حیوانات انسی رفتار مینمایند و اهل شمالی این دولت اینطور نگاهداشتن و اذیت دادن بنی آدم را

۶۱۶

سبب کارگاه و بد میداند و پیوسته سعی و کوشش مینمایند که قاعده نگاهداشتن غلام و کثیر موقوف باشد ازین جهت سختی است

میان این دو تیره است و عدولت با هم دارند صاحبان املاک سمت جنوب چون رعایای خودشان کلاً غلام و کثیر سیاه اند اگر اینها آزاد باشند یا از دستشان بیرون بروند بجهت زدن معطل و سرگردان مینماید و املاکی که حالاً بتمش بی شمارت نامیده است قیمت می افتد این بحث و گفتگو بجای کشیده است که صحبت میان شما شده است که ممالک جنوب این دولت از ممالک شمالی جدا شوند و در این یک دولت جمهوری متفق باشند و دولت جمهوری باشند اهل دولت یکی دنیای شمالی مردمان عاقل و دانا هستند و در کزور در اتفاق است و دولتی نیست در روی زمین که مثل این در اندک مدت تقدیر زنی کرده باشد در یکی از روزهای این

ولایت درین خصوص نوشته اند که در باب نگاهداشتن غلام و کثیر بجهت و معاشرت لازم نیست این قاعده بتدریج خود بخود موقوف خواهد شد زیرا که اهل آن مملکت که از اولاد فرنگی و حساب ولایت هستند سال بسال زیاد تر میشوند و غلام و کثیر سیاه که از این چنان سال بسال کمتر و سبب ضرب می بینند و لایل دیگر هر سال کمتر میشوند و کم کم تلف خواهند شد از ایجه صاحبان املاک کرسیرات این دولت چونکه از خارج غلام و کثیر سیاه آوردند قدغن است لابد می شوند که مانند دولت براریل و جزایر خط استوا که هند العربی نیز مینمایند فکر رزاعات خود را بکنند و رعایای رزاعت کار در عرض این غلام و کثیر سیاه

بگیرند

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه دهم ماه ربيع الثاني مطابق سال سیمجاه ۱۲۶۹

نزد صد و ششم

قیمت روزنامه  
یک ششخو شاهی یک کله  
بیت و چهار هزار دینار



مشیت و انخلاق طهران

قیمت اعلانات  
بک سطر المهر سطر یکم  
بیشتر باشد هر سطر کمتر

## احبار و اخلاص ممالک محروسه و شاهای

### دار انخلاق طهران

در روز شنبه پنجم این ماه اعلیحضرت قوی شوکت  
پادشاهی یک ساعت از طلوع آفتاب گذشته  
تشریف فرمای میدان شوشا گرفتار که در خارج  
در دوازده دولت است شدند و تا یک ساعت افواج  
منصوره مشق کرده از نظر انور گذشتند و بعد از آن  
گشت و تفریح و شکار فرموده و امیرالامرا العظام اجودا  
بیر حسب الامر ملتمس رکاب نصر شتاب شده و سایر  
خدمت چشم نیز در رکاب ظفر آس بودند و بعد از تفریح  
و شکار که بهای سمیت دولاب که شکارگاه خوب است  
نزد یک بغروب آفتاب از دروازه دولاب بغیر و اطلاق  
تشریف فرمای ارک مبارکه گردیدند

و حسن رفتار او روز بروز کمشوف خاطر مایون گردید  
و منظور نظر انور ملوکانه افتاده بود که اداره امور خارجه را  
که دایر مابین این دولت علیه و سایر دول کامل بود  
هم عهد و رسم جوار است در عهد چنین شخص پاک اعتقاد  
بیغرض که در از دیار رو ابد دوستی کوشش نماید کاملاً  
باقی و برقرار گذارند لهذا مترجم انخلاقان مشارالیه را  
از قرار فرمان هر لحاظی مسایون منصب خطیر وزارت  
امور دول خارجه و لقب جنابلی سر بلند و با عطا  
سه پارچه خلعت آفتاب طلعت مایون بدین موجب  
معزز و از جنده فرمودند

چون خبر فوت محمدخان مصلیحت گذار سابق مقیم دار انخلاق  
اسلامبول باولسای دولت علیه رسید عالیجاه  
مترجم الحضره الخاقانیه حاجی میرزا احمدخان نایب دوم  
وزارت دول خارجه را که باوصاف درایت و فطانت  
و امانت و دیانت موصوف بود اندر بار مایون

چون از وقتی که مترجم انخلاقان میرزا سعیدخان منصب  
دبیری امور خارجه سرافراز شده بود همسواره بر  
صداقت و ارادت خود را در نظر اقدس مایون  
اعلیحضرت پادشاهی خلد الله مملکت سلطانه و توفیق  
اولیای دولت علیه ظاهر نمود و مراتب خبر خواهی و بیخبری

۶۱۷

بمنصب مصلحت گذاری و اقامت دارا خلافت اسلامبول  
حسب فرمان نامزد و سرافراز فرمودند و بکثرت جبهه زمزم  
خلعت با رعایت کردید که بزودی و چا پاری روانه دار  
اسلامبول شود

سپس جناب عالیجا میرزا بزرگ قزوینی که سابقا پیکار حرم  
حاجی میرزا اقا سی بود بمنصب کارپرداری ارزنة الروم برقرار  
کرده و بکثرت جبهه زمزم خلعت در حق مشارالیه مرحمت  
فرمودند و این روزگار و این خواهد شد

عالیجا میرزا بیج مستوفی برود و وکیل نواب  
والا بتبار احتشام الدوله خانلر میرزا در تقدیم خدمات محوله  
بجود خوب از عهده برآمده و در طریق خدمت دیوان از اد  
انما صداقت و خلوص عقیدت مشهود افتاده بود و این روزگار  
نظر بطور مرحمت ملوکانه در باره عالیجا مشارالیه بکثرت  
جبهه کرمانی طرح کشمیر اعلی از جانب سنی ایچوانب اعلیحضرت  
پادشاهی در باره او برسم خلعت مرحمت کردید

چون عالیجا جاننجه خان حاکم ارومی خوب از عهده خدمت  
برآمده بود و در ایام انقلاب ناخوشی ارومی ایچانرا خوب  
نقطه منتسق نگا بداشته بود مراتب خدمات او در  
خاکبای همایون معروض و مشهود کردید لهذا محض ظهور مرحمت  
بکثرت جبهه زمزم خلعت با عالیجا مشارالیه رعایت کردید

نظر بطور فورم رسم ملوکانه در باره مقرب ایچان  
نظام الملک درین روزگار با عطای یک ثوب نداد  
ایره ترمه بطانه خزار بلبوسات خاص قریب از خواص  
کردید

چون خدمات و استقامات نواب شاهزاده والا

احتشام الدوله خانلر میرزا در انتظام امور عربستان  
ولرستان و رفع و دفع مفاسدین و اشهرار آنجا تقدیم  
سار خدمات دیوانی در پیشگاه حضور مظهر اعلیحضرت  
پادشاهی معروض افتاده و بسیار استحسن و مقبول شده

بود لهذا محض مرحمت در باره نواب معتزلی الیه یک قطعه  
شان مرتبه اول میر پیکلی با یک بند جامیل سرخ و سفید  
که مخصوص آن مرتبه است با افتخار نواب سغزی الیه مرحمت  
فرمودند و فرمان مهر لعلان مبارک نیز درین باب  
شرف صدور یافت

چون عالیجا احمد خان نوابی کارپرداز سابق تعلیس در ایام  
ما مورث آنجا از عهده خدمات محوله بخوبی برآمده  
و بطریق معقولیت و حسن سلوک رفتار نموده بود و خدمات  
او مقبول و مستحسن خاطر اعلیحضرت پادشاهی افتاد  
درین اوقات از جانب سنی ایچوانب همایون کثرت  
جبهه زمزم خلعت در حق عالیجا مشارالیه مرحمت و رعایت  
کردید

سپس جناب عالیجا میرزا ابوالحسن سیررشته دار که در خدمت  
محوله بخوبی مراتب صداقت و راست فطرتی خود را مشهور و  
همایون معلوم استنای دولت قاهره نموده بود درین  
اوقات یک ثوب جبهه سلسله دار چهار کل برسم خلعت  
با و مرحمت کردید

امورات قشونی  
در معینه گذشته کتیبه مرصق فانه دولتی اجالا مرقوم و مسطور  
شده درین معینه مفصلا نوشته میشود که از بیج الشاهی  
سال گذشته تا او اخر ماه بیج الاول امسال دو هزار و

۶۱۸

دولت و سیست نغمه بجز بطلان عالیه

حاضر شد بتعلیم عالیه کلوزن معلم کل در سس جنگ میخواند  
و اما ساعت در آنجا مواظب این کار استند

از باب مرصدا افواج	در کمال
فوج لاهور	فوج اصفهان
فوج قزوین	فوج تبریز
فوج مشهد	فوج خراسان
فوج هرات	فوج سیستان
فوج بلخ	فوج بخارا
فوج کابل	فوج هندوستان
فوج گجرات	فوج فارس
فوج ایلات	فوج عربستان

عالیه نتیجه الامرا العظام شیرخان ولد مقرب خان خان  
خان خانان چون از خانه زادان مخصوص دولت فانی  
و حسابا و نسبتا یافت شمول التفات و محبت داشت  
لهذا علیحضرت پادشاهی منصب تیری سواره سواران  
بعده او محمول و بخلعت آفتاب طلعت مخلص و مقتر فرمودند  
د بهر ای عالیجه آقا رضا خان نایب ابودان با سواران  
حضور بایون شد

سواران نظام  
عربان و فوج

چون عالیجه قاسم خان اباعنجی منصب ایل سکی کری  
شامسون مشکین منصوب است و محض اینکه امر سواره نظام

میرزا محمد ولی حکیم باشی نظام معالج شده ماند و اغلب آنها  
امراض صعب داشته اند که با تمام مشارالیه چون در  
صحت یافته اند چون تا این عهد بایون مرخص خانه در دولت  
ایران متداول نبود و لهذا در اوایل مرضی را که با آنجا میبردند  
میرفت و بسکن بعد از آنکه انواع نقذات و پرستاری و  
معالجه میدید بعد از یافتن صحت با جبار بیرون می آمد حال  
بکمال شکر گذاری میزدند و در نهایت رضامندی و امیدوار  
بیرون می آید و درین هفت روزه از فرار روزنامه حکیم باشی نغمه  
معالجه شده بیرون رفتند

مرزور نیز کمال نظم را داشته با و عالیجه مشارالیه نیز  
بکمال اهتمام مراقب امر آنها باشد سرکردگی سواره راهم  
اعلیحضرت پادشاهی بجای عالیجه بیوک خان سپاه و  
و اگر در فرمودند حسب الامر مخلص شده با عالیجه عبدالحسن خان  
نایب ابودان باشی شرفیاب حضور با بهر النور پادشاهی  
و مرخص گردیده روانه آذربایجان گشت که سواره را برود  
بر کابل بایون بیارد

چون منظور اعلیحضرت پادشاهی آنست که عموم سواران  
از ادب و علوم حرب کمال استخار داشته باشند لهذا  
بر حسب امر قدر قدر میران پنج و تیر سپان و نمایان نظام  
ابودان باشی و سربازان افواج تا هر بعد از فراغ ارتش  
بیرون دروازه دولت کلاً در مدرسه دارالفنون

از آنجا که عالیجه میرزا علی اکبر سرنگ فرخان مبارک غنهای  
و صداقت در تقدیم خدمات محو خود ظاهر داشته و خاطر مبارک  
از خدمات اراضی بود لهذا محض حصول مزید افتخار و مبالغات  
او بکطاف شال زمه برسم طاعت مشارالیه محبت فرمودند

سایر ولایات  
درین هفت روزه از سایر مالک محروسه اجباری نمود که در  
روزنامه نوشته شود که آنچه از روزنامه کرمان در کابلان

### کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان که در وقت گذشتند  
 نوشته بودند که در ماه صفر تو این طبرستان و قاپین آدمی نزد  
 امیرالاعظم محمد حسن خان سردار حکمران بزد و کرمان  
 فرستاده و نوشته بودند که دو دانگ از بلوچ که صاحب  
 خود بلوچها مرد انکی عبارت از بنفاد و نیر باشد برای تا  
 و تا ز طریق و شوارع از بلوچستان حرکت کرده اند لکن  
 غایت کجا دارند و کجا طرف رو خوانند او معلوم  
 و بجا برین و مترددین باید قدغن شود که در هر کجا که باشند  
 چند روز توقف نمایند پس از وصول این خبر سردار  
 عالیجاه شیخعلی خان نایب الحکومه را با دولت نخواست  
 مستعدان نور نمود است که شخص بلوچها برودند از هر کج  
 نوشته بودند فور خبری از آنها نرسیده است و در او  
 و قوافلی هم که بارض آمدن رسیده بوده اند در کجا  
 روزنامه رحمت کرده اند و در باب و ایات است  
 نرسیده و صحیحاً سالماً با اوطان خود وارد گردیدند

انجا تصور اینکه رشوتی بپسند و نان را بهمان قرار سابق  
 ببردند مسبلنی کراف میکشش آورده بوده اند قبول  
 نکرده و قدغن نموده است که همین قیمت که قرار داده است  
 فروخته شود

### کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته شده بود  
 نواب شاهزاده عمادالدوله حکمران کرمانشاهان در  
 نظم ولایت و قشون مسواره بناسبت مراقبت راجع  
 می آورند و اگر از قشون یا رعیت ندرت خلاف قاعده صادر  
 شود بجز دستخوار بعام رفع آن برمی آیند از جمله از قراریکه  
 نوشته بودند این اوقات در میان دو سه نفر از  
 نوپچیان راعی اتفاق افتاده بود نواب معزی ایله آن  
 خواسته و بهر یک با ضد تازیانه زده تمسید کامل عمل  
 آورند که من بعد احدی از اذواج نتوانستند با یکدیگر با  
 اهل ولایت مصدر نزاع یا خلاف قاعده شوند و اولیا  
 دولت قاهره مرکبین خلاف را احضار بدربارهایون  
 فرمودند که در اینجا حکم بعمل و حق فرمایند

چنانچه در روزنامه گذشت نوشته شده بود در سکنهای  
 اوزان کرمان که اختلاف بود است امیرالاعظم  
 سردار قدغن نموده بود که همه را از این یک عیار ساخته  
 که بعد ازین کسی بوزن کم چیز نبرد و اجناسی هم  
 کران بوده است هر یک را با اقتضای وقت فراری  
 داده و از آن نموده اند از جمله نان چند سال بوده است  
 که بیک قرار فروخته می شده است این اوقات بکن  
 صد دینار منزل داده و از آن نموده اند جماعت خانه

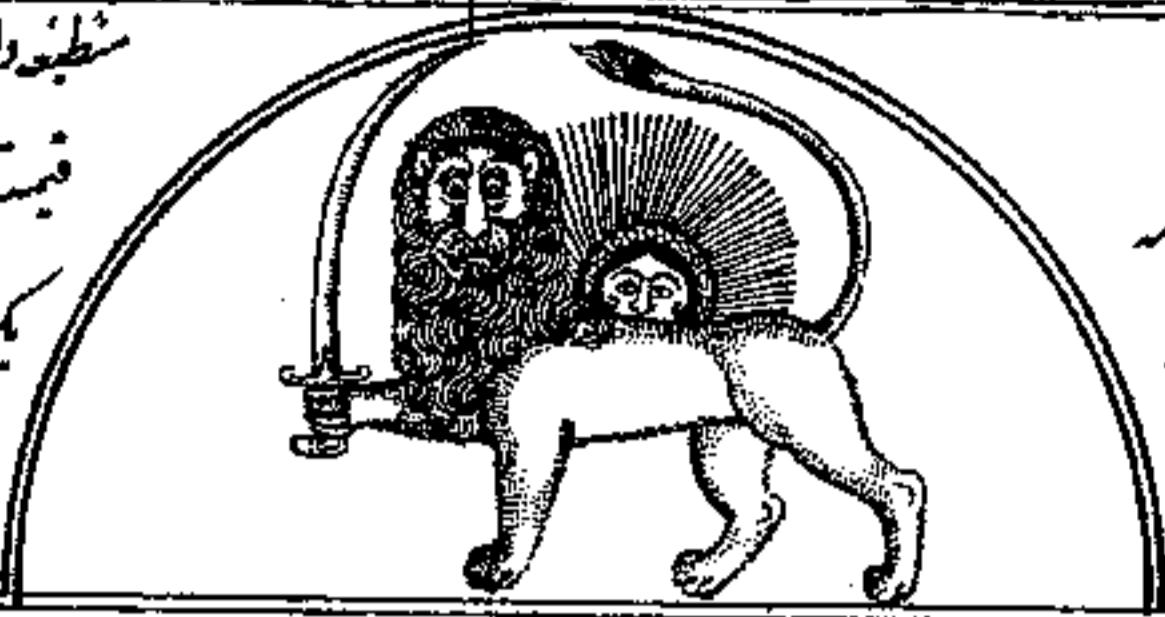
و بگو نوشته بودند که برخی غیر بود کرمانشاهان تا حال کجا  
 و میدانستند که عمل می آید درین اوقات نواب عمادالدوله  
 مانند ران فرستاده ریج غیر بود روه و در آنجا کاشته اند  
 بسیار خوب عمل آمده است و از نمونه آن قدری بنزد اولیای دولت  
 قاهره فرستاده بودند در اینجا طبع کردند بابت از جمیع برنجها  
 خوب تازان بهتر شده بود بلکه در لطافت دمازکی می شد با ریج  
 بندی چندی پیش ازین برای بر گرفت و مقرر شد که نواب معزی ایله بنده  
 در آن سخنان درجه زیاد بکارند متداول شود و در آن اختلاف هم

در این روزنامه  
 در این روزنامه  
 در این روزنامه



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه هجری ۱۲۶۱  
 لشان مطابون لیبجان ۱۲۶۱

مطابق دارالخلافه طهران  
 قیمت اعلانات  
 یک سطر الی چهار سطر  
 بیشتر با هر سطر



شماره صد و چهارم  
 قیمت روزنامه  
 یک ششماه یک ریال  
 بیست و چهار هزار

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه و ششم این ماه که بعضی از تربیت  
 علم نوپچانه دارالفنون در میدان ارک مشغول مشق و تعلیم  
 نوپچان جدید بودند و فرج طرانی جمعی عالیجاه محض  
 سرینب و فرج جدید جمعی عالیجاه علیستغنی خان  
 سرمنگ نیز حاضر شده بودند اول جناب جلالت  
 صدر اعظم بمیدان مزبور آمدند و بجان بجان آنها را ملاحظه نمودند  
 و بعد از آن اعلیحضرت پادشاهی بمیدان ارک مبارکه  
 تشریف فرما شده ملاحظه مشق نوپچان و دو فرج مزبور  
 فرمودند و بجهت خوبی مشق و حرکت آنها مورد تحسین و توفیق  
 حسروانی گردیدند

میخواستند تشریف فرما شده معلمین بقدر نیم ساعت در  
 حضور مهابون بدرس و امتحان آنها مشغول شدند  
 و جناب جلالت آتب صدر اعظم و بعضی از اعلیاء  
 جا کران در باره حضور مهابون بودند بعد از فراغ از  
 امتحان آنها با و طاق سواره نظام و معلمین نوپچانه مبارکه  
 و پیاده نظام و علم طبابت تشریف فرما شده بودند  
 کار و خدمت و در کس و تعلیم آنها بجان بجان رسیدگی  
 فرموده تا دو ساعت و نیم محض مشق و امیدواری  
 آنها در در کس تشریف فرما شدند

نظر سجدات عالیجاه میر عزیز خان این اوقات که  
 شرفیاب حضور هر طور اقدس شهر باری گردیدند  
 بقلب دریا یکی بقلب فرموده و یک ثوب جبه زمه بر سر  
 خلف در دو جا و حمت و عنایت گردید

در روز شنبه پنجم این ماه مرحوم میرزا علی اکبر شکر  
 رحمت ایزدی پوست و چاکران در باره مهابون  
 با احترام برداشته و در مجلس ترجمه و فاسخ خوانی او  
 امیرالامراء اعظام اجودان باشی و سایر معتربان در باره

از آنجا که خاطر جناب مهابون پادشاهی متعلق بر انتظام امر  
 در کس دارالفنون و ترویج علوم جنک و ترقی معلمین  
 اینجا است و غالباً بنفس نقیب مبارک کفایت توجه تعلیمات  
 و امتحان آنها میبایستند لهذا بوم یکشنبه سیزدهم  
 یک ساعت بعد از ظهر تشریف فرمای در کس دارالفنون  
 شدند و اول با و طاقی که صاحب منصبها در آنجا علم جنک

هائون از میران پنج و صاحب منصبان حاضر گردیدند  
 چون این شامسون از پیش از تعیبات عالیجاه طهاسغلی خان  
 این یکی بدربار هائون آمده شکایت نمودند لکن او بیای  
 دولت قاهره حسب الاشارة العلیه عالیجاه رستم خان  
 که بحسب سلوک و مردم داری موصوف بود بخدمت این  
 ایل مزبور منصوب و عالیجاه طهاسغلی خان را معزول فرمودند  
 تا ایل مزبور در کمال آسودگی باشند و فرمان مبارک  
 صد و ریافته بکشور حیدرآباد خلع با فتح عالیجاه  
 مرحمت و عنایت گردید

عالیجاه فتح انجوا بن العظام سغلی خان پیشخدمت خان  
 سرکار اعلیحضرت پادشاهی که سابقا مأمور برون  
 عیدی و اب شازده هشتمه الدوله حمزه میر صاحب  
 مملکت آذربایجان و سایر حکام و کار گزاران آذربایجان  
 بود بعد از اتمام ماموریت خود در روز جمعه یازدهم آبان  
 هائون معاودت نموده بزارت خاکبازی مبارک اعلیحضرت  
 پادشاهی مشرف گردید

امورات قشونی

افواج قدیم و جدید و آکوز جمع عالیجاه مصطفی قلیجان میرنج  
 شرفیاب کاب ساون گشتند چون فوج طهرانی جمعی  
 مجتهد و سجد شرافه محمد ضیا خان سرتیپ مدتی بود که  
 و حراست شهر و قراول فائنا مشول بودند مرض فائنا  
 لند قراولخانهای شهر بست عالیجاه مصطفی قلیجان  
 او سپرده شد و حکمی که لازم بود در رفتار آنها باهل شهر  
 و مواظبت این خدمت مشروعا صادر و با عاود اواد

آنها خوانده شد که ابد از انفرات تخلف نمایند و سلوک  
 و رفتارشان بدون اختلاف بران پنج باشد  
 التزام هم درین خصوص از صاحب منصبان گرفته

فوج قدسی که احضار برکاب مبارک شده بودند درین  
 وار و برکاب هائون گردیدند و در بیرون دروازه شازده  
 عبدالعظیم منزل برای آنها مهین گشت  
 فوج نصاری اردوی و شلمائیس که حسب الامر شرفیاب  
 رکاب نصرت ماب شدند و بیرون دروازه شازده  
 منزل نمودند

عالیجاه فتح الله خان باور که از خراسان برکاب هائون  
 آمده بود درین اوقات که معاودت نمود بکطائشال  
 زمره برسم خلع با و محنت گردید

عالیجاه نصر الله خان سپهر مرحوم حاتم خان شهاب الملک  
 درین روز نامتصب سربسکی خارج از فوج سزاوار گردید  
 سایر ولایات

آذربایجان

از وزارت که در روزنامه آذربایجان  
 نوشته شده بود درین اوقات که بجهت الله تعالی ناخوشی  
 و با بکلی رفع شده و نواب شازده هشتمه الدوله و مقر انجوا  
 وزیر نظام و سایرین که بیرون رفته بودند همه شهرت  
 معاودت نموده اند و درت امتداد ناخوشی امورات  
 کمال نظم را داشته سهل است درین ایام ناخوشی که  
 وزیر نظام بمجالات آذربایجان رفته بود آنچه عرض  
 از توپچی و سرباز و قشون آنجا بود با کسرافاج تمام و کمال گرفت  
 و بهیچ وجه نقضی در امور قشون و مملکت نیست



دیگر نوشته بودند که مرحوم اخوند ملا محمد اعلی الدمشقانی  
 که از جمله اعزّه علماء و نوادر عصر خودش بود رحمت ایزدی  
 پیوسته و حسب الوصیت او را در بقعه جناب امامزاده  
 سید ابراهیم دفن کرده اند و نواب مستطاب شاهزاده  
 والا تبار حشمت الدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان  
 و عموم اعیان و اشراف آنجا بجهت توقیر و احترام جنازه مرحوم  
 معزی الیه برفن او حاضر شده و او را با کمال احترام دفن  
 نموده اند و بعد از آن نواب حشمت الدوله بدین عالیجناب  
 نتیجۃ العلماء العظام میرزا محمد تقی پسر مرحوم معزی الیه تشریف  
 برده اند

دیگر نوشته بودند که افواج متوقف آذربایجان در  
 نظم حرکت مینمایند از جمله فوج ناصریه جسمی عالیجاه  
 محمد افای سرمنگ هر روز در میدان سربازخانه مشغول  
 میباشند

دیگر نوشته بودند که یک نفر تاجر ارمینی عیبت دولت  
 روس که حبیب دماغ بهم رسانده بوده است بیاض  
 مریم نه نه که آرامنه بریارت آنجا میروند رفته و طپا پنجه  
 پر کرده بسینه خود خالی کرده و با آنجا افتاده بود فردای  
 آن روز آرامنه بیاض فر بود رفته نفس او را دیده بودند  
 بعضی نواب شاهزاده حشمت الدوله رسید از جانب  
 کارکنان آن نواب معزی الیه و کما شکران دولت بهینه  
 روسیه در تحقیق این مطلب است تمام شده معلوم گردید  
 بود که خود آن شخص همین قسم که نوشته شده خود را کشته  
 از سایر ولایات آذربایجان درین بخته اخباری نبود که در

وارالمرز

مازندران از فرار یک روزنامه مازندران  
 نوشته شده بود این اوقات نواب مستطاب شاهزاده  
 مصطفی علی میرزا حکمران مازندران بجهت انتظام مهمات دیوانه  
 و امور ولایتی از بلده ساری غنیمت بار فرودش و محالاً  
 بلده امل کرده بودند که در امور آنجا نظمی کامل پسند و قریب  
 پانزده روز در آنجا توقف کرده اند و بعد از ورود به بلده  
 امل سرب معادن آنجا تشریف برده که خدا بان تانج ساری  
 کلوله را حاضر نموده اند که در حضور نواب معزی الیه کلوله  
 بریزند از فرار یک نوشته بودند بطوری کلوله ریخته بودند  
 که هیچ تفاوت با کلوله فنکستان که بدرجه کمال سخته  
 میشود نداشت نواب معزی الیه ببلده و با شرفین انعام و خلعت  
 داده امر کلوله ریزی را از هر جهت منقطع و مصلحت یافته کرده  
 و از که خدا بان و با شرفین الترام گرفته اند که در ریختن کلوله  
 و خوبی آن است تمام تمام بجا آورند و از فرار یک نوشته شده بود  
 از اتهامات اولیای دولت علیه امر کلوله ریزی آنجا

کسیلان

ازین ولایت درین هفته روزنامه دیده نشده است  
 فارس ازین ولایت نیز درین هفته اخباری که قابل نوشتن در  
 روزنامه باشد نبود

خراسان

و همچنین ازین ولایت نیز درین هفته روزنامه رسیده است  
 عراق

۲

قره‌بین

از قراریکه در روزنامه قره‌بین نوشته شده بود <sup>بمخاطب</sup>  
 خسروخان والی و حاکم قره‌بین در نظم امور ولایت  
 و رفع حجابی و تعذبات و غوری با ثور مردم سوار  
 منتسای مراقبت را بعل می آورند از قراریکه نوشته شده  
 بود از سه قره‌بین تا بحال سه هزار دوزخ داده ساخته  
 و حیثی محکم ساخته شده است این اوقات چون  
 سرد است داده است بالای سردا خاک بخت  
 که در بهار سال آینده بقیه سرد را هم با تمام برسانند

دیگر نوشته بود که ماد بانی از شخصی سرف شده بود  
 مقرب انخاقان مشا را لبه بعد از استخار بر این  
 کیفیت همت ما دیا از خود بصاحب ما دیان داده  
 بود و از قراریکه نوشته بودند این روزها شخص سارق  
 ما دیا را آورده سردا است

از سایر ولایات عراق درین هفته اخباری  
 نرسیده است که در روزنامه نوشته شود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود چون  
 هر سال برای نظم آن صفحات قرار بود که حکام کرمان  
 به پیوسته میرفتند اما سال امیر الامرا اعظام مقرب انخاقان  
 محمد حسن خان سردار حاکم یزدو کرمان عایجا عبد الله  
 سرحد را با یک فوج و دو عراده توپ و یکصد نفر غلام  
 لکرگو و دویت نفر غلامان ایروانی و پنجاه و هفت نفر  
 توپچی و صاحب مضبان فرستاده اند که رفتند

۶۲۶

در صفحات اگر بی نظمی باشد رفع کنند و امر آن خود را  
 منظم و مضبوط بدارند از قراریکه نوشته بودند عایجا  
 علی قلی خان با فوج ابواسمعیل خود در شهر کرمان است  
 و فوج او همه روز مشغول مشق میباشند و بسیار با  
 نظم حرکت می کنند

دیگر نوشته بود که این اوقات از طرف سیستان بقدر  
 یکصد نفر بلوچ بمر راه یزدو کرمان آمده بوده اند عایجا  
 شیخ علی خان نایب الحکومه با پنجاه شصت نفر سوار از  
 بلوچها رفته و شکست پانها داده است و سوار را لبه  
 پنج سزار بلوچها بکرمان آورده بودند

دیگر نوشته بود که درین اوقات در کرمان از توپچی  
 بزرگبری دختری متولد شده است و بعضی علامت  
 عجیبه در او بوده است از جمله سه سردا داشته و شست  
 دندان و پامای آن کج بوده است و کف پای او  
 مثل پشت پای او و پشت پای او مانند کف پای او  
 بوده است و تا یک ساعت زنده بوده است  
 و بعد از یک ساعت مرده است

کرمانشاهان

از قراریکه در ضمن تحریرات کرمانشاهان نوشته  
 شده بود این اوقات در کرمانشاهان کزب الا  
 متولد شده است که یک سردو و تن داشته است  
 که سردو تن با تمام اعضا از هم منفصل بوده اند و کسر  
 داشته است و چهار دست و چهار پا و دو دم  
 و لکن زنده نمانده و مرده است

تسعی اجناس ماکولان و غیره

برنج غنبرو چهارمین دو هزار و صد و شصت و شش	کندم ساد و جیلان دو تومان و یک هزار
برنج کرده چهارمین دو هزار و هفتاد و شش	کندم غریبه یک نخودار دو تومان
روغن چهارمین یک تومان	کندم دور شهر یک نخودار نوزده هزار
گوشت یکمن یک هزار و دو پون	کندم و راین یک نخودار چهارده هزار
نان یک نخودار بیست و هزار و دو پون	جو یک نخودار دوازده هزار و پانصد
آرد کندم یک نخودار دو تومان و سه هزار	کاه یک نخودار چهار هزار و پانصد
شمع یکمن یک هزار و صد و بیست	پوشه یک نخودار هفت هزار و پانصد
روغن خراج یکمن هفت عباسی	خلر یک نخودار چهارده هزار و پانصد
ماست یکمن ده شاهی	لوبیا یک نخودار سه تومان و دو هزار
پیرشور چهارمین شش هزار و ده شاهی	مدس یک نخودار دو تومان و هفت هزار
تباکوی اعلی چهارمین شانزده هزار	ماش یک نخودار دو تومان و پنجاه هزار
تباکوی وسط چهارمین دوازده هزار	ارزن یک نخودار یازده هزار
آبغوره یکمن ده شاهی	کرچک یک نخودار چهار تومان
سرکه یکمن هفت شاهی	سکنک یک نخودار یازده هزار
مرغ یک قطعه ده شاهی	کنک یک نخودار سه هزار و پانزده شاهی
تخم مرغ نه بیضه یک عباسی	پیاز یک نخودار یک تومان
قند آژیسی یکمن هفت هزار	سخت و قرزینی یک نخودار چهار تومان نیم
قند بزدی یکمن چهار هزار و صد و بیست	سخت و رسی یک نخودار دو تومان و شش هزار
بنات یکمن سه هزار و چهار صد	همه یک نخودار هشت هزار و پانصد
شکر یکمن دو هزار و شصت و بیست	ذغال یک نخودار هفت هزار و پانصد
طل یکمن بیجده هزار	شیره چهارمین نه عباسی
میجک یکمن پنجاه و بیست	عزا چهارمین سه هزار و صد و بیست
داجینی یکمن یک تومان	کنک چهارمین دو هزار و بیست
زعفران یک چارک پانزده هزار	پنبه که اخته چهارمین شش هزار و پنجاه
سکنجین یکمن دو هزار و پانصد و بیست	

۶۶۵

### اخبار دول خارجه

فرانس در باب لقب لوی ناپلیان که در این روزها لقب امپراطوری بپادشاهی فرانسه برقرار شده است هم در روزنامه فرانسه هم در سایر روزنامه های فرانسه گفتگوهایی شده است از آنرا که گویا او را لقب ناپلیان هم میدارند که ناپلیان اول ناپلیان مشهور است که در فرانسه سلطنت و ناپلیان دوم بقاعده ارثی پس او است که دست بر خیزد و موافق آن حساب پیش لوی ناپلیان که رئیس جمهور بود و حالا امپراطور شده است ناپلیان هم میشود در روزنامه های فرانسه نوشته اند که اگر چه دول خارجه لقب امپراطوری را قبول ناپلیان قبول خواهند کرد اما لقب ناپلیان هم شکست که قبول نمایند زیرا که اگر شان حق سلطنت ناپلیان بزرگ را قبول کرده بودند و حالا اگر لوی ناپلیان لقب ناپلیان هم قبول نمایند فاقد اینهمه نماید که سلطنت ناپلیان بزرگ را بر حق دانسته قبول کرده باشد

از بی سینگ که از اولاد پادشاهان قدیم فرانسه و ادعای سلطنت آنولایت را میکند کاغذی نوشته و داده چاپ زده اند و با کثرت در ایالت فرانسه پخش شده و در میان خلق منتشر نموده است باین مضمون که مادامی که در ولایت فرانسه قرار پادشاهی نبود من سکوت داشتم اما چونکه تاج و تخت دولت فرانسه را حق موروثی خود میدانم و حق اعلام میکنم که سلطنت لوی ناپلیان در آنولایت نامحق است و تاج و تخت آنولایت حق من است این کاغذ را در دستاده و لیکن آلمانی دولت فرانسه چندان اعتنائی نداشتند او کرده اند زیرا که میدانند که دولتهای آن او در فرانسه

۶۶۶

سپار کم زورند و آن فوت را ندارند که از آنها عملی که با برسم خوردگی دولت بشود بوقوع بینجامد و بتواند کاری از پیش ببرند

ناپلیان بوقت پارت سپر پرنس ریژوم برادر ناپلیان که الان بجای از نوکامی عهد دولت فرانسه است میگویند درین روزها بحکومت آن است مغرب زمین که بجز جزیره ای و الجزایر هم میگویند و در دست دولت فرانسه است نامتوز خواهد شد لقب نایب السلطنه

از دولت فرانسه چند وقت پیش این حکم شده بود که کشتیهای دولتی آنولایت برود بکنار مملکت ترانس که بزبان فرانسه اسم آن کومینا نامند آخر مملکت مغرب زمین و در دست سلطان عبدالرحمن است کشتیهای فرود در کنار آن مملکت و بعضی از ممالک دیگر مغرب زمین که با آنجا متصل گشت کنند و عمق دریا در جانی که طناب بته آن میرسد مستحق نمایند نقشه مضبوطی بسازند و سنگ در یک کوه در هر جای آن دریا که باشد در آن نقشه معلوم نمایند و چونکه کشتی با چنین نقشه با حسابی که خودشان دارند راه میروند این نقشه بسیار کشتیهای آن کشتیهای بخاری و غیره از هر دولتی که در آن دریا رود میکشند می آید

خانها وزیر جهام داخله دولت فرانسه که ساختن عمارات و بناها و راهها و راه بردن امر معادن و اینگونه اعمال و بوان با در محال است درین روزها بست کنار رودخانه بین نقشه که تدارک رفع ضرری که از آمدن سیل باطل آنجا رسیده است بکنند بلکه با بستن سد و غیره طوری نماید که بعد از این اتفاقها در آن کشتیهای نمانند

از سایر ممالک دول خارج که روزنامه رسیده است  
چیزی قابل چاپ رزن نبود که آنچه از احوالات متفرقه  
ترجمه نوشته میشود

احوال متفرقه

از مملکت استرالیان نوشته اند که باز طلای فراوان  
از آنجا در می آورند و هر چه بیشتر کار میگردند بیشتر طلا  
می آید خصوصاً باین سبب که اول اشخاصی که با آنجا  
بودند بجهت پیش اعمال اسباب درستی نداشتند  
حال که اسباب و ما بهیچا بسیار با آنجا برده اند بهتر  
و بیشتر در می آورند و لکن بجهت کم شدن زراعت کاران  
ادویه در آنجا بسیار کران بودند آن بحساب وزن پول  
ایران بکن بگذار و شاهی بود اما گوشت چندان کران  
نبود از آن جهت که در آن ولایت حیوانات کاو و کوسفند  
و غیره بسیار دارند و جمعیت زیاد از ولایت انگلیس  
دول روی زمین با آنجا رفته اند حساب کرده اند که در  
یکی از بنا در آن ولایت در یک مفعه بگذار و سبب  
سی و یک نفر با آنجا وارد شده اند

اکثر خوراک بسیاری از اهل انگلیس منبسی است  
و حال چندان است که آفتی مانند ناخوشی در میان  
سیب منبسی افتاده است از آنجهت که کشتیها از سایر  
ولایات فرانکستان سبب منبسی بار کرده ولایت  
انگلیس فرستاده اند و بجهت خوب بفرودش رفته است

از اینکند بر بصره نوشته اند که در آن شهر بسیار بی نظمی

شده است و سبب بی نظمی این است که بسیار توکیا  
الواطوبی کار که از ممالک خود که رنجیده و با آنجا آمده اند در  
آن شهر مستند خصوصاً از خبر رزه مالت و سایر شهرها که در  
سحر صفت عیاشی شدند بسیار مردم در شهر اسکندریه  
وزخمار شده اند و چونکه این مردم اکثر در زبر حایت دول  
خارج هستند نظم در میانشان دادن بسیار مشکلست  
فوتسولهای دول خارج که در آنجا هستند انقدر زور دارند  
که چنین اشخاص را تنبیه و سیاست موافق تقصیرشان  
بکنند از آن جهت این الواط بسیار جو ر شده اند و شهر  
بطوری شده است که شب بیرون آمدن برای خلق خطر  
دارد

در مملکت پروسیه مرافقه غریبی شده است جمعیتی  
از کشیشان آن ولایت ادعای اطلاق از دولت می کنند  
و ادعای ایشان از اطلاق و عمارات و غیره بیشتر از  
چهارصد هزار تومان پول ایران می شود این املاک و  
عمارات مال طایفه از طت کتولیک است که رزویت  
می مانند و چند وقت پیش ازین پاپا که بزرگ ملت کتولیک  
می باشد چون دید که رزویت دخل و تصرف با مردم  
دولتی میکردند حکم کرده بود که نباشند بعد این املاک  
پرست کشیشان بزرگ ملت عبوی آن ولایت افتاد  
حاصلش را جمع میکردند و بخرج مدارس و مصارف  
کسان بی بضاعت میدادند تا ایامی که شروع بپایان  
برادرنا پیمان بزرگ پادشاهی آن مملکت رسید  
که حال داخل مملکت پروسیه است شروع مردم بر این  
املاک را مطلقاً ضبط دیوان کرده و در مسکامی که پادشاه

فغانستان باز هر یک تاج و تخت خود بر فراز شمشیر این  
 در دست دولت ماند حال کشیشان آن ولایت ادعای  
 که املاک و عمارات مزبوره باید با آنها برسد و یوان که این املاک  
 ضبط کرده بود حاصل و مدخل آنها در میان چند سرباز  
 و بیارخانهای اشخاصی که کنگ و نیز باند تقسیم کرده اند اذعان  
 کشیشان این است که املاک مزبوره را دیوان بناحق ضبط  
 کرده بود و حال از دیوان پس میخوانند و گذشته از آن  
 اجرت المثل بیست و نه ساله را نیز که در دست دولت  
 مانده است ادعای کشندگان

از هندوستان روزنامه‌هایی که رسید از قبایلی پنج  
 دویم محرم و از کلکت بیست و دویم ذی الحج و از شهر  
 چین بیست و سوم ذی الحج و در خصوص جنگ دولت انگلیس  
 مملکت برمه نوشته بودند که اهل ولایت پیکو که جزو مملکت  
 برمه میباشند و نزدیک کنار دریا است بسیار طالبان  
 که در این در زیر حکومت دولت انگلیس باشند بسیار  
 مملکت آنها تا این زمانهای نزدیک مملکتی که اکانه بود و  
 برشته آمد و بچنگ و غلبه این مملکت را گرفتند و اگر چه  
 از جنگ دولت انگلیس دوباره این مملکت را بدست بر  
 واکدار نامی اهل برخطه سلم و تعدی پادشاهی این سیکو خوانند  
 و میگویند که اگر دولت انگلیس این ولایت را داخل ممالک  
 خود کند دولت سیکو و نیای شمالی بلاخطه نفع خودشان  
 جزو ممالک خود خوانند که در وجهه اینکه تجارت زیاد بود  
 چین از این ولایت میتوان بر راه اذاعت از پند و زبناک که حال  
 از مملکت هندوستان بچین میرود و نزدیک پیچیدگی کرد  
 در سال که این تجارت عاید دولت انگلیس میشود و اما اگر

۶۲۸

یشکی و نیای شمالی مملکت پیکو را تصرف نمودند آنوقت  
 بسیاری از این تجارت بدست آنها می افتاد و ضرر کشندگان  
 انگلیس بسیار در آرزوی انگلیسها در مملکت رنگون شهر  
 داشته است که اهل برمه چهل هزار قشون جمع می نمایند که  
 دوباره با قشون انگلیس جنگ نمایند و لکن اکثر مردم آنجا این  
 مطلب را باور نمی کردند و همین میدانستند که پادشاه  
 آن ولایت خود طالب صلح است و مصاحبه نموده جنگ را  
 موقوف خواهد داشت

از چین نوشته اند که باغیان آن ولایت که کم مانده بود  
 تمام شوند باز دوباره قوت گرفته و با دولت جنگ میکنند  
 و میگویند که چهل هزار نفر جمعیت داشته اند و یک شهر را  
 کرده بودند و قشون پادشاه آمده و دوران شهر را  
 کرده بودند و مکان داشتند که در هانجا باغیان را تمام  
 تجارت بزرگ مملکت چین از شهر کانتان است و بجهت  
 اغشاش و لایات آن اطراف ضرر و زیان زیاد است  
 میرسد مال فرنگ خوب بخرش برفت زیرا که میان ولایت  
 اموال تجارت بردنش خطر داشت و چای هم که تجارت عمده  
 آن ولایت کم باب بود

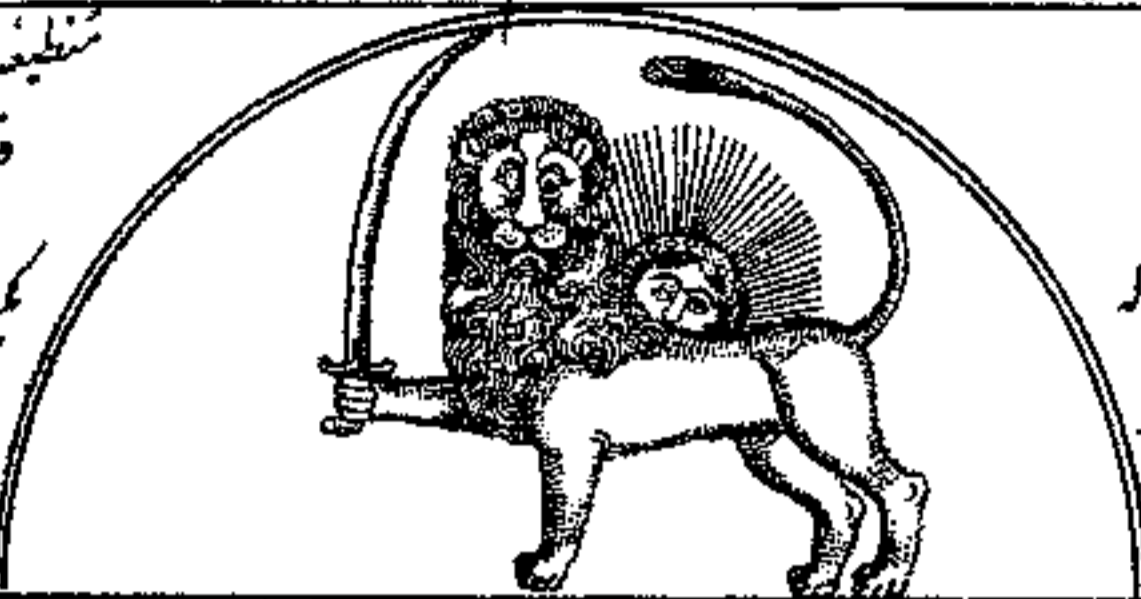
اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحی با  
 در محله نزدیک مدرسه دولاب انطباع شده از معارف فرستاده  
 مجمع البسمان شش تومان  
 تفسیر امام عسکری یک تومان  
 شاننامه چهار تومان و نیم  
 حقه نظامی نه هزار دینار



روزنامه قایم اتفاقیه تاج پور خسته بیست و چهارم ماه ربیع الثانی مطابق سال سیم جان سیریل ۱۲۶۹

سنتیذ دار الخلفه طهران  
قیمت اعلانات  
کلیسرا چهار سطر کهریز  
بیشتر سطر  
پنجاه هزار



نزه صد و پنجم  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاهی یکسال  
و قافله و چهار هزار  
دینار

### اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

#### دار الخلفه طهران

در روز یکشنبه بیستم این ماه اعلیحضرت پادشاهی  
بعزم کشت و تفریح سوار شدند و بطرف قصر قاجار و  
ان ستمها تشریف فرما گردیده تا عصر مشغول کشت و تفریح  
بودند و نزد یک بزرگوار اقبال مبارک مبارک سلطانی  
و مقر سلطنت عظمی بر حجت فرمودند  
چون در شکارگاه جاجرد و تاروف نیاید شکار خوب  
نمی شود درین اوقات که برف بسیار خوب و بوقع  
آمد خاطر اقدس عابون پادشاهی مایل بشکار جاجرد  
گردیده و پیشانیه بشکارگاه آبخار روانه شد و در روز یکشنبه  
مورک بشیر و زمی کوکب عابون بشکار جاجرد و حرکت  
خواهند فرمود

دار الخلفه طهران باین سردی شده بود و بجهت صاحبان  
اطلاک و زراعت کاران امیدواری کفایت حاصل گردید  
و نشوینشی که دستگیر گردیده است  
در روز یکشنبه بیستم که شده اعلیحضرت پادشاهی  
محض ظهور رحمت ملوکانه در باره جناب محبت و جلالت  
نصاب صد اعظم بنجای جناب معظم الیه تشریف فرما  
گردیدند و لوازم پیشکش و پای انداز بطور خوب عمل آمده  
نهار را در آنجا صرف فرمودند و عالیجاه موسی خان سپهر  
جناب معظم الیه چون در رتبه و ذکاتک نهار و شیری و سایر  
لوازمات ضعیفان خوب زعمده بیرون آمده و ضعیفان  
او مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده بودند که یک نوبت چه  
ترمه برسم جلالت در حق او رحمت و عنایت فرمودند

اگر چه هوای دار الخلفه طهران در زمستان اسالیب  
ملازم و خوش گذشت و لکن بجهت نیاید برف در  
خود زراعت کاران تشویش کم آبی و خشک سالی  
نایستبان آینده را داشته اند و بجهت امدد تعالی برف خوبی  
بسیار بوقع و زیاد آمد بطوریکه که سالی درین فصل هوا

مغرب انخافان محمود خان فراگوزلو نایب اول اجودیا  
کد حنب الامیر کار اقدس عابون پادشاهی بنیابت  
اول سفیر مخصوص دولت علییه مامور است بطرز بوقع بود  
بجک عابون شرف اندوز در باره جلالت دار گردیده است



دلاور خان	قاسم خان	کدورتی دلاور خان
محمد خان	محمد خان	محمد خان
محمد خان	محمد خان	محمد خان
محمد خان	محمد خان	محمد خان
محمد خان	محمد خان	محمد خان
محمد خان	محمد خان	محمد خان

کارهای فوج مزبور در تبریز نمانده و فوج او بر کابلیه مبارک آمده بود  
 درین روزها خود او نیز شیر قاری کابلیون کرده  
**سایر ولایات**  
 اوربا بایجان درین مهفته ازین ولایت اخباری نبود که  
 در روزنامه نوشته شود  
**دارالمرز**

**کابلان** از فراری که در ضمن تحریکات رشت نوشته شد  
 این اوقات ناخوشی و با در آنجا حادث شد است و  
 تاریخ کاغذی که از آنجا رسیده بنفتم رسید لسانی بود و نوشته بود  
 که استنداد ناخوشی در اشکالم بیشتر بوده است با اینکه  
 در آنجا حادث شده است صحیح برادری این ناخوشی بوده است

سلیمان خان سهام الدوله که از قدیمی خدمتگزاران این دولت  
 جاوید است علیه سالیان بعد وقت و غیرت خدمت یابین دولت  
 می نمودنی بود که ناخوش بود و در شب یکشنبه سیم این ماه و وقت  
 و نظیر اقبیت و التفاتی که اعلیحضرت پادشاهی بجموم جا کران این  
 دولت دارند حکم فرمودند که جنازه او را با کمال احترام برده شود  
 امیر الامراء العظام اجدان باشی و میر پنجگان و سیرنیان و صاحبان  
 و غیره با نظام سجدت احترام در تشییع جنازه او حاضر گردیدند آنچه از  
 احترام بود معمول داشتند جنازه او را در کلیت یابای ارانند در محل  
 نزدیک دروازه قره دین دفن نمودند و محتاج تغیر داری او هم و وجه  
 از جانب اعلیحضرت پادشاهی محبت کرد

**ماژدران**

از این ولایت نیز درین مهفته اخباری نرسیده است  
**عراق**

**امور است قضونی**

اصغمان از فراری که در روزنامه آنجا نوشته اند عالیجناب  
 نائب الحکومه اصغمان در نظام امر آنجا نهایت انعام داده و در این  
 عموم رعایا با اسودگی حاصل است و درین اوقات یازده کی خوشتر  
 شده است و حامل نشان سپهری که با آنجا عالیجناب شایسته از دربار  
 مصوب عالیجناب برزازی ارسال شده بود با کمال احترام و امید داری آن  
 نموده و عموم خلوت شادمانی و شکر گذاری نمودند

احضار گشت  
 عالیجناب سوسو بر بره که با توفیق افران کران نشان بود چون بطوری که  
 لازم بود دست انعمده این خدمت برنی آمدند عالیجناب پیشین صاحب  
 که نهایت مهارت در عملی داشت سجای او با امور مشارک بود

**فارس** از این ولایت نیز درین مهفته اخباری نرسیده است

اعوانی که بعد از عهد سلطانی باید در سلطانی حاضر با از جانب او  
 دولت قاهر و حکم نو که صادر گشت که بدون تکلف در سر مرید فرود  
 سلطانی حاضر باشند  
 عالیجناب میرزا علی خان سرنگ فرج نصاری از روی که تجدد انجام

و غیره در سال ۱۲۵۹ (۱۲۶۹) با کتب

### خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده بود که نذل خان حاکم قندهار جمعیتی فرانسوی آورد به غزم تصرف برات بفره آمده است و عمده الامراء العظام سید محمد خان ظهیرالدوله حاکم هرات نیز جمعیت سبلو آنها فرستاده است البته متشکیکه خبری دیگر برسد درین روزنامه چاپ خواهد شد

دیگر نوشته بودند که افواج متوقفین خراسان یکی با نظام تمام حرکت می کنند و از احدی خلاف قاعده و بیجایی صادر نمی شود و موجب جیره که از دیوان عالی برای آنها مقرر است بی کم و کسر میرسد و سواره حرام اسب و اسبشان مضبوط و بی عیب است و در کمال شکوه و آراستگی میباشد مگر سواره ابو اجمعی <sup>لجانب</sup> مذرفلیخان که از قراریکه نوشته بودند خدمت نواب شاهزاده حاکم سلطنته والی مملکت خراسان آمده اظهار پریشانی کرده بودند که جیره که از دیوان مقرر شده از سبده است نواب مغزی ایبسم نویسنده تعیین کردند که بحتاب جیره آنها برسد و چهره آنها در پیش هر کس است حکما گرفته برسانند

دیگر نوشته شده بود که در بیستم ماه ربیع الاول هفتاد نفر از ریش سفیدان ترکمانان مرده خدمت نواب شاهزاده و الایباجام السلطنه والی مملکت خراسان آمده عرض نمودند که اراضی خان ترکمانان خراسان آمده بجهت نگرانی دولت علیه مشغول شدند اولیای دولت قاهره هم روز بروز انواع التقاتها در باره آنها مبدول

داشته مام آمده است دعای نوکری داریم و هر قدر فرمایشش شود بهتر و خوشتر از هر کسی نوکر میسیم و قرار میدسیم که رؤسای ریش سفیدان ما هم در ارض احدی باشند نواب مغزی ایبسم چون آنها را بجهت نگرانی دولت علیه سابق در اعقب دیدند آنها را با التقات اولیای دولت قاهره امیدوار ساختند که ظاهر است بعد از آنکه شما بصرافت طبع خود خدمت کنید در باره هر یک و اخذ خدمت خلعت و انعام و مراجع محبت و برقرار خواهد شد که در کمال آسودگی مشغول خدمت نگرانی باشید و خود نواب مغزی ایبسم نوازش زیاد با آنها نموده و در حوز هر یک جبهه و شال کشیری و مشهدی خلعت داده اند و بعد از آن مرخص شده رفته اند که آیا ترکمانان مرور با التقات اولیای دولت علیه امیدوار ساخته و نوازش بهترین و روزهای خود را باین

انگس بیاورنه  
کرمان

از قراریکه در روزنامه آبخان نوشته شده بود ام آبخان نظام کلی داد و امیر الامراء النظام محمد حسن خان سردار در نظام آن صفحات کمال اهتمام را دارد و در آبادی آبخان حضوراً خالصتاً و بی اجتنابهای مراقبت را بعمل می آورد و از نظر این اوقات ترکمانان خالصه را خواسته در باره هر یک نوازش کرده و تعیین نموده بود که در مضبوط و نسق خالصتاً سعی و کوشش زیاد نمایند و چندی در کرمان باره دستگیری شده بود این اوقات باره نوازش

کرمانشاهان

درین بنفذه این ولایت اخباری که در روزنامه نوشته شود بنویسد

### اخبار دول خارج

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که درین روزها از لندن پای تخت انگلیس رسید روز شنبه ششم ماه ربیع الاول بود در آن ولایت لار و دیرینی وزیر اعظم و بعضی از وزرا که هم مصلحت او بودند حسب آنچه ایشان خود از پادشاه استدعای استعفا از خدمت نموده و مرض مغزول شده اند و اسامی وزرای تازه را هم سنوچاپ کرده اند لکن گمان دارند که لار و دیرینی که یکی از وزرای قدیم پادشاه انگلیس است و تا مدت بسیار وزیر دول خارج بود و از سلسله خوانین قدیم آن ولایت وزیر اعظم بشود لار و جان رستل که چند بار وزیر اعظم شده است وزیر دول خارج بشود و لار و دیرینی که سابقا وزیر دول خارج بود و وزیر امورات و اخذ بشود

### فرانسه

چنانکه در روزنامه سابقه نوشته شده است دربار امپراطور شدن لویی ناپلیان در مملکت فرانسه از هر بلوک و بر شهرت فرانس خبرهای تخت پاریس رسید که بسیاری از اهل آن ولایت رضا بسلطنت او بقلب ناپلیان ستم بودند بعد از آنکه این خبر از کل ولایات فرانس پای تخت رسید اسامی دولت بلوی ناپلیان اعلام کرد و هم پادشاهی آن مملکت را قبول کرد و برقرار شد شهر پاریس هر اسم عیش و شادمانی و شیلان بجا آورد و در عمارت و در ضرابخانه پاریس پول پانسمه ناپلیان ستم سکه کردند که یک طرفش شکل ناپلیان ستم را داشت و در دوش نوشته بود ناپلیان ستم امپراطور در هر طرف

دیگر آنچه فرانسه یعنی ممالک فرانسه در زیر حکومت امپراطور میباشد

بچه خوشنودی خلق و از راه حشم که خود ناپلیان ستم دارد در جمله اول حکمی که کرده بود این بود که بعضی از مقصودین را که بچه افتاد و مجوس بودند نصیب آنها را عضو نموده و بگریز کرده اند و بعضی از مقصودین دیگر را نیز که تقصیرشان خیلی بود بخشیده است از جمله اهل قشون که عملی کرده بودند که خلاف نظام بود و بچه تقصیرشان با مجوس بودند با مقصودین دیگر شده بودند عفو شدند و در بعضی قشون نیز عفو کردند و آنها که بجهت افتاد و یا عجزی دولت مجوس بودند نیز خلاص شدند مشروط بر اینکه بعد ازین آرام نشینند و از اعمال افتاد خود دست بکشند اما آنها که بطور حرمی آدم گشته بودند یا تقصیرشان کثی بود یا مجوس اند دیگر در خصوص فقر و صفا و ایام داین قسم اشخاص قرار دادند که دیوانه رعايت و مراقبت و محافظت تمام نماید که بچه آنها رعايت حاصل کرد و و بعبرت نکند راند از جمله ایچیان دول خارج ساکن شهر پاریس که دوباره ناموریت نامد تازه بعد از امپراطور شدن لویی ناپلیان آورده و بخدمت او داده اند یکی لار و کولی سفیر کبیر از جانب پادشاه انگلیس و یکی ایچی از جانب پادشاه اسپانیا و یکی ایچی از جانب پادشاه دانمارک و یکی ایچی از جانب پادشاه استانبول و بعضی ایچیان دیگر از ممالک دیگر

### نمونه

در روزنامه سابق نوشته شده بود که نازی سینگ که ادعای سلطنت مملکت فرانسه را میکند کاغذی فراموش

۶۴۳

پای فرانسه نوشته بود و مردم را از قبول کردن پادشاهی  
 لویی ناپلیان منع کرده بود که تاج و تخت آن ملک را  
 خود میدانت اگر چه امنای دولت فرانسه چندین اقتضا  
 باین کار نموده بودند و لکن درین روزها کسی از دولت  
 سجانیه کی از خو این قسیم آن ولایت فرستاده اند که میدانتند  
 که این کارخانه در نزد او بود و میان خلق قشقه کرده بود و کارخانه  
 همه از او گرفتند و میخواستند او را محبوس نمایند درین  
 بین چا پار از جانب امپراطور فرانسه آمد و حکم کرده بود  
 که او را محبوس ننمایند و مطلق العنان باشد  
 در یکی از روزنامه های برنسیلر پای تخت پادشاهی فرانسه  
 که امپراطور فرانسه درین روزها بنا دارد که دختر یکی از  
 پادشاهان که چک من را برنی بگیرد و درین وقت  
 او را نامزد خود خواهد کرد و در روزنامه دیگر نوشته اند که  
 پای پای روم که بزرگ ملت گنولیک میباشد ملک  
 فرانسه خواهد رفت

### روس

امنای دولت روس چون دانستند که در  
 راه این سخته زرد کالک که بخارج محل و نقل سیاح و با  
 تجارتی را بیسولت میکند و باعث آبادی و ولایت و  
 منفعت دولت است درین روزها بسیار سعی و کوشش  
 مینمایند که این راهها را در آن ولایت درست بکنند  
 و زیاده بآنها از جمله بنا دارند که یکی ازین راهها از شهر  
 سنکوالی ساحل دریای قزاق که بزرگترین و یکی دیگر از  
 سنکوتاناد قزاق و اسباب آموختن این راهها

از ملک انگلیس میخیزد و محاصره با چند نفر از صاحبان  
 و کارخانه های این ولایت انگلیس کرده اند که از میلیهای این  
 که در راه نصب میکنند آنچه لازم باشد بقیمت معین بدهند  
 هنوز چرخ بخار که کانسکهای دیگر را می کشد نخورده اند  
 و لکن بجان داشتند که آنها را نیز از ملک انگلیس بخرند

اسال نخ در شهر است بطرز بوریخ و در روبروی حصا  
 قرانتاد در چهل روز از پایتخت فرستاده بسیار سخت است  
 کشتی بخار که ستیا حان سوار شده بودند و میخواستند  
 بولایت انگلیس بروند کم مانده بود که در میان نخ بند نبود  
 و رستنازاد درها بخا باند با شکستن نخ و زخم بسیار  
 بیرون آوردند و لکن سبت فرونگشتی بخارنی که با  
 کرده بودند و میخواستند بخارج بروند در میان نخ  
 بند شدند و باید رستنازاد را بخا بماند

### استریه

در یکی از روزنامه های وینیه پای تخت دولت استریه  
 نوشته از بتاریخ دهم ربیع الاول که البچی فرانسس  
 وینیه برقرار شدن لویی ناپلیان را بپادشاهی فرانسه  
 بلیق ناپلیان سبب بامنای دولت استریه اعلام کرده  
 بود و در همان مجلس باز دو باره اطمینان بامنای دولت  
 فرورداده بود که منظور امپراطور فرانسه صلح و نظم و  
 خود شش و نقل دول فرنگستان و عهدنامه که پادشاه  
 فرانسه سابقا بدول خارجه بسته اند کماکان برقرار میباشد  
 و هر چه شروط آن عهدنامه است قبول دارد ازین جهت  
 کمان دارند که دولت استریه بامپراطور شدن لویی ناپلیان



قبول نمایند بلقب ناپلیان ستم چنانچه در مملکت  
خود شش لقب شد است

در روزنامه دیگر نوشته بودند که امپراطور استریت  
از آنجا بیرون رفت که بر لنین پای تخت پرستیده  
برود بدین پادشاه پرستیده و از راه شهر دراز  
خواهد رفت و چند روز در آنجا توقف نماید

پرستیده

سفیر کبیر فرانسه مفیم بر لنین پای تخت این مملکت این  
اوقات امپراطور شدن لوی ناپلیان را با نمایی لب  
پرستیده اعلام کرده بود و در همان مجلس گفت کونی که

الچینان و خاطر بسعی آنها باشد نموده بود که اگر چه  
لقب امپراطور فرانسه ناپلیان ستم شده است لیکن  
عهد نامهای پادشاهان سابق فرانسه را کلاً قبول  
کرده است و هرگز منظور بر سرزدن و ارتطم فرنگستان  
ندارد

دیگر در روزنامه بر لنین پای تخت این ولایت نوشته  
تاریخ نهم ربیع الاول که پادشاه منور با والی مملکت  
برتر و یک شهر بر لنین آمده بودند بدین امپراطور استریت  
که بنا داشت از ویینه بر لنین چنانکه درین روزنامه  
شده است بیاید

هندوستان

تا پنج گانه آخر که ازین ولایت رسید از شهر میانی  
چهارشنبه سیم محترم بود و با آنجا خبر رسیده بود در باب  
گرفتن شهر پرورم در مملکت برمه نوشته بودند که قشون  
انگلیس در کشتیها بودند و از رودخانه بالارفته بودند تا رود

شهر شده بودند اهل برمه و آنجا توپ بسیار داشتند  
و بکشتیهای مزبور توپ خالی کرده بودند و از کشتیها  
نیز توپ با آنها خالی نمودند بعد قشون از کشتیها بجنگ  
درآمدند و حمله بسنگر و حصار اهل برمه کردند و آنجا را  
از دست اهل برمه گرفتند و قشون در آنجا توقف  
نمودند و معلوم نبود که پیش بروند میان ولایت یا نه

دیگر از هندوستان نوشته بودند که در اول پانز  
گرماد آنجا شدت داشت خصوصاً تا یکماه از پانزرفته  
که اکثر سالها در آن فصل هوا خشک میشود اما اسال

تا یکماه چهل روز از پانزرفته هوا گرم بود و تا خوبی  
در ماهه وسط هندوستان و سست شمال بکالو  
پنجاب و سینه بود و ممالک هندوستان کلاً امن  
و آرام بود  
احوال است معرقه

درین روزنامه نقره بسیار بولایت انگلیس آورده  
و در دست تجار چینین زیاد شده است که قیمت نقره  
قدری تنزل کرده است این نقره را از جزایر خط استوا  
و یکی دنیای جنوبی آورده اند و چند وقت در دست  
تجار مانده در میان کشتی که استند و از راه اریه  
میرهندوستان فرستادند و در آنجا خوب فروش  
خواهد رفت

درین روزنامه سبیل ریاد در ولایت انگلیس آمده است  
چونکه اکثر این مملکت زمین سوار است و ارتقاعی که  
از رودخانه دارد کم است و رودخانه نیز مانند رودخانه

۶۳۵

کوشندگان تندجاری نیستند هر وقت که آب باران زیاد می آید آب رودخانهها بالا میسرود و بسیاری از دیوارها زیر آب میسرود و زمینهای خنق و اطاقهای تحتانی همه در میان آب میماند خانههای اینولایت را از اجروا میسازند که آب حینندان کاری با و نیست و اندکند با از خوب و تخمه میسازند اما از تلف شدن حاصل حیوانات و غیره ضرر و زیان زیاد بر دم میرسد و در بعضی کوهها شهرهای انگلیس که هیچکس آب ندیده بود جهان آب زیاد شده بود که مردمی که از خانه بخانه با از کوه کوچ میخواستند بروند از لایه می زورق سواری شدند و بعضی از مردم هم در میان آب تلف شده اند و بعضی هم از اجروا بالا خانهها بیرون آمده زورق و غیره سوار شده و رفته اند چونکه در مملکت انگلیس اکثر غله از فصل بایر میکارند از این سبب هم ضرر زیاد بر دم رسیده است که بعضی زمینها را که زراعت کرده بودند آب تخم و خاک را همه برده بود و بجهت زیادتی آب و گل شدن زمین چاهایی دیگر را نیز که میخواستند بکارند نتوانستند درست نمایند

نموده بکارند  
از شهر سیتنگ پور که یکی از جزایر بحر هند است نوشته اند که در زمان دریا که کشتی تجار را نجات میکنند و اهل کشتی را میکشند درین روزها بسیار جویشده اند چونکه این جزایر در راه کشتیها که از چین به پاکستان و بعضی از آنجا یکی و بنا و اکثر ولایات روی زمین میروند واقع است و از آنجا که کشتیها که از چین می آیند بارشان بسیار قیمت دارد و در زمان در آن اطراف بسیار میزند و کشتیهای کوچکی

۶۳۶

و بار یک دهنه و تیزر و سوار میشوند و می آیند حمل کشتیها تجاری آورند اکثر اوقات آدمهایی را که در کشتی تجاری می بایند می کشند از ترس اینکه مبادا خبر بد دولت خود بر سر کشتی چکی دولتی بجهت تنبیه آنها بیاید بارهای کشتی را بر سر می آورند و غش اهل کشتی را بدریا میسازند و کشتی را با آب میزنند یا غرق می کنند که اثری از او نماند و دل انگلیس و اسپانیول و سبکی و نیای شمالی و بعضی دول دیگر در آنجا کشتیهای چینی بجهت محافظت از تجار خود نماندند اما اکثر کشتی در زمان فروردین بسیار شکست زیرا که در شب کشتی را آتش کردند و میسوزند و بخاری که در وطن خودشان است میسوزند و اهل کشتی چینی که عقب آنها میروند ندانند که در کد ام ایلی کتاه کدام بخار درین خصوص است خود عرض کرده اند و گویا قزاقی خواهند گذاشت که در زمان فروردین تنبیه نمایند و اهل دولت اسپانیول که در آن کشتیها بعضی شهرها و جاها بجهت لشکرگاه کشتیها دارند سعی و کوشش تمام می کنند که تجار را درست محافظت نمایند

### اعلانات

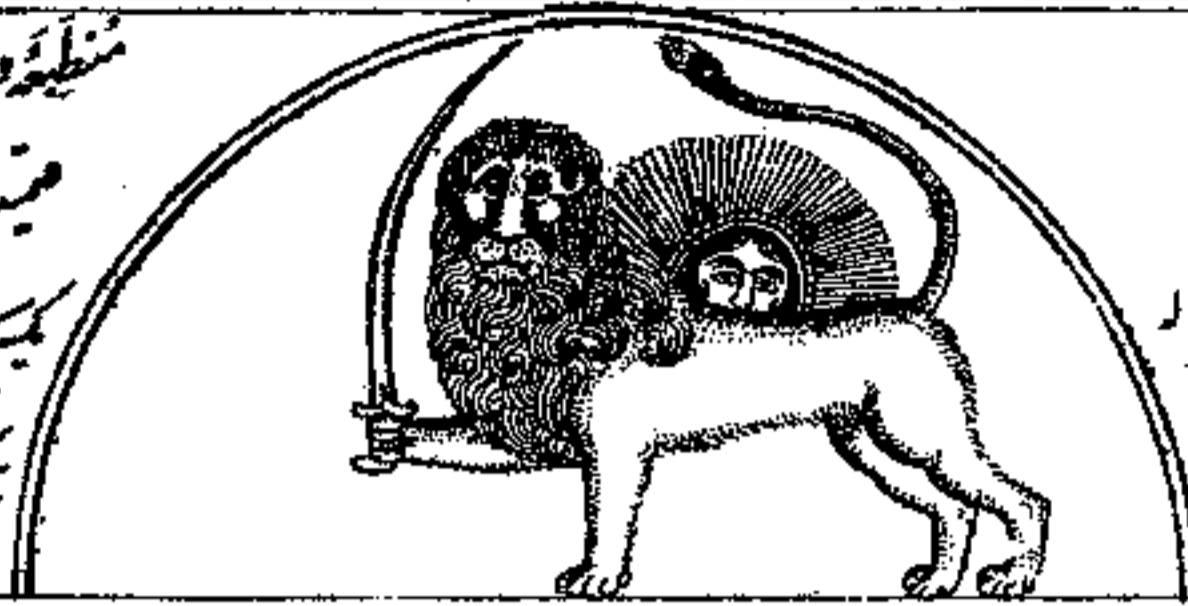
کتابهای چاپی طهران که در کاخ حاجی عبدالحمید با در محله نزدیکی دروازه دولا ب انطباع شده از اینقرآ فروخته میشود

مجمع البیان	شش تومان
شرح نظامی	نه هزار و پانصد
تفسیر امام عسکری	یک تومان
شاهنامه	چهار تومان و نیم

# روزنامه قایم اتفایه تاریخ پرده ششمه ماه جمادی الاول مطابق سال سیچمان میل ۱۲۹۹

روزنامه ششم

قیمت روزنامه  
یک ششده هزار  
بیت و چهار هزار  
دینار



منظومه و اخبار طهران

قیمت اعلانات

یک سطر چهار هزار  
بیشتر هر سطر

## اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

### دائر اخلاف طهران

چنانچه در روزنامه مرقمه گذشته نوشته شد در روز پنجشنبه بیت و چهارم ماه ربیع الثانی اعلیحضرت پادشاهی عزیمت شکار جاجرد فرموده موکب سیروزی کوکب انجمن حرکت فرمودند و جناب جلالت آفتاب صدر اعظم و سایر خدمت و حشم در رکاب هایون فرستند و درین اوقات توقف موکب هایون در شکارگاه مزبور باریک زیاد شده و چونکه تاروف نباید در آنجا شکار خوب جمع میشود از طالع فیروز می مطالب ملوکانه باران و برف خوب متوالی آمده و شکار فراوان از هر قسم کرده شد اگر چه کثرت برف و باران قدری سخت بلغمین رکاب هایون رسید لیکن شغل شکاری و لوگر باب در سفر زحمت کشیدن است و تا آخرت کشته کارششش نمیرود و بسبب شدت بارندگی و برف شکار خوب و فراوان هم از شکار کوهی و دشتی و طبیوی بسیار شده و بقایای سابقه سنجیدگان از کان عظام و خادمان حرم و سفرهای دول متجابه و علماء و فضلا و اعیان و ارکان در خانه از شکار

### شکار رحمت فرموده بشهر فرستادند

درین اوقات بارندگی پیوسته و زیاد در دائر اخلاف طهران شده است بطوریکه از روز جمعه بیستم ماه ربیع الثانی تا روز سه شنبه بیست هشتم ماه مزبور متصل بارندگی کرد و روز که هوای اصفاف کرد اول برف خوب آمد و هوا شدت سرد شد و بعد از آن هوای ملایم نموده باران شد و آمد بطوریکه کالی برف را از زمین برداشت و از شدت باران جزئی خرابی هم بخانهها و دیوارانی که از خشت گل ساخته بودند در بعضی محلات رسید و کهن ضررهای سجد بعد کبسی نرسیده بعد از آن در شب شششنبه باریک برف را گذاشت و بیشتر از برف اول آمد لیکن چون بزمین باران آمده بود و هوا هم ملایم بود نصف برف بگذشت آب شده و با وجود این باز برف سنگین در زمین و هوایم مناسب طلبت را دارد

در روزنامه شهر نوشته بودند که شخصی مواراسب بود از محله سنج عیبیکر در نزد آب انبار واقع در میان کوه خراب شده آن شخص با آب میان آب انبار افتاد و آب

۲۳۷

لذات بیرون آمده بخانه خود رفت صبح چند نفر آدم آوردند  
اسب را بیرون آوردند و غیب کرده بود

چهارسک در پشت بام حمام و افند در محله جالبندان با  
جنگ می کرده اند چون در روی قبه خزان بود قفس خراب  
شده و هر چهارسک ناگاه بمیان خزان آب افتاد  
چند نفر زن در میان آب بوده اند و حشت نموده فرار کرده  
و یکی از زنهای از شدت وحشت ضعف کرده بوده است  
بعد استاد حمامی را خبر کرده بودند و آمدند بکهار از خزان  
بیرون آوردند بود

### سایر ولایات

ازربایجان از فرار یک در روزنامه ارومی  
شده بود عالیجاه جانمحمد خان حاکم ارومی در انتظام امر  
کمال اهتمام را دارد سابقا از فرار یک نوشته بودند باین  
سلاطین و خاک ارومی بسبب کثرت ایلات  
و زدی اتفاق می افتاد و قواطل و مترددین از تعرضات  
ایلات این بودند عالیجاه شاریه چندی بک نفر صاحب  
باصی نفر سواریه حفظ و حراست راه گذاشته بود این وقت  
امر آنجا نظم دارد و قواطل و مترددین میگذرند و هیچ چیز  
و استیسی مال و حال آنها نمیرسد

دیگر نوشته بودند که در بیست و یکم ماه ربیع الاول تعلیم  
جلالت تاب صد اعظم را که بقرب آنخانان وزیر نظام  
ایادی ولایت خوی تخفیفی که از سال قبل اشاره العلیه  
با نجا حرمت شده نوشته بودند رسیده و بقرب آنخانان  
همان تعلیمه با سایر اسلما از خود بخوی فرستاده و رسوم  
ایلی آنجا بسجده حسیع گردید تعلیمه را در سرسیر خوانده

و اینمشی بسبب مزید شکر گذاری و امیدواری ایلی آنجا  
برافت و عاطفت این دولت قوی شوکت علیه گردید  
و کبیر رسم دعا کونی و شکر گذاری را بعمل آورده اند و چند  
خانوار عیب که سابقا بجهت ظلم و تعدی از دوات آنجا بجا  
عثمانیه رفته بوده اند بعد از استماع محنت نمودن تخفیف  
ایلی آنجا با کمال امیدواری بعضی را محبت با و طمان خود  
نموده اند

دیگر نوشته بودند که ملا علی اکبر برادر حاجی ملائی روضه حجاب  
سر خود را تا نصف برید و برادرش خبردار گشته گذاشتند  
که تمام بپرد از فرار یک از خود او سبب این حرکت را نیز  
گفته است که در نزد خود بانه الطاهر علیهم السلام العیاذ بالله  
ناسر گفته کافر شدم باین جهت سر خود را بریدم که پاک شوم  
و ارالمرز

درین مهله ازین ولایت اخباری نبود که در روزنامه  
فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته شده بود در روز  
ماه ربیع الثانی نواب مستطاب شایزاده و الایلیه  
فیروز میرزا حکمران فارس غمیت گرفتاریات آنجا را نمود  
ورفته اند که در انصفحات نظم کلی بپسند

### عراق

اصفهان از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته  
بودند ضعیفه وضع حملش شده اولادی زائیده است که دو کوزه  
و انامیت او معلوم نبوده و بعد از تولد او پیش فوت شده  
و چند نفر اولاد دیگر داشته است وراثت در تقسیم ارث در  
خصوص آن طفل معطل مانده بر است را از جناب حاجی محمد جعفر

۶۳۸

### اخبار دول خارج

روکش در روزنامه اسلامبول که بخت و ناسم چاپ میزند نام او روزنامه کاننطنتیست است کاغذ از طراز آن پانجا نوشته بودند چاپ زده اند و مضمون کاغذ این است که از وقتی که پرنس و رانسوف حاکمین علیحضرت امیر اطور روس بحکومت لایت کرجستان بامور شده است در نظر آبادی و غیره اولاً خصوصاً در امر تجارت و داد و ستد مردم نسبت به دول خارج چونکه در خصوص تجارت بدول خارج در بعضی چیزها در سایر ممالک روس در سخن سخت است و پرنس و رانسوف خود استند بود که این مقصود در ممالک کرجستان نباشد و کاری که در پیش گرفته بود بسیار مشکل بود و از جمله اینها است که کشتی بخارا بهین شهر طراز آن و مقصد بطورم و رد و ط قلععه که کنار مکتب چرسین شهاب و مکتب فریم و اسلامبول راه بیندازد که دائمی در وقت تعیین نزدیک کند و چونکه آن جاها بنا بسیار اطراف آن ولایات اند از بیرون بدون حاصل و اجناس آنجا منتفع زمانه بابل آن ولایات برسد در رد و ط قلععه که یکی از بنا در بزرگ آن سمت است لنگرگاه و فصلستان بجهت کشتی خطرناک است از آنجهت راه انداختن کشتی که دائمی الاوقات در آنجا نرود و بگذارد مشکلست درین روزها کشتی بخارا ز دولت عثمانیه و یک کشتی بخارا ز دولت انگلیس در رد و ط قلععه افتاد و لیکن در خصوص بعضی قاعده قانون که در آنجا صاحبان این کشتیها از بیت کشیده و چونکه چنینکه نوشته شده است رد و ط قلععه بجهت کشتی در میان جای خطرناک است زود مرجع بطراز آن کرده اند و رفقه آن

از سایر دول خارج درین هفته اخباری نبود که قابل نوشتن در روزنامه باشد مگر آنکه در اجالات متفرقه نوشته میشود

آبادی مسئله نموده اند جواب گفته اند که دندای هندی اورا بشارند اگر مخالف ذکر است سهم آنهاست و اگر موافقت سهم و کور باو بدند تا بنیاب فرقه مسلم نمایند تا آن نصف است ذکر و نصف است آنهاست باو پسند و در وقت مرزبوره بشوق ثالث عمل کرده اند

افواج متوقفین اصفهان از قراریکه نوشته اند روزنامه مشغول مشق میباشد و موسیویانکام محکم فرکی آنها را تعلیم میدهند و از قراریکه نوشته شده بود آداب و رسوم مشق را خوب دریافت کرده اند و بطور قاعده و نظم حرکت می کنند

### خراسان

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند که در شخاچی را که کوبان حاکم السلطه والی مکتب خراسان برای سان حاضر کرده بود این روزها وارد ارض آمدند شده و در حضور نواب معزی ای و عالیجاه مقرب انخاقان طبعی خان میر بچه سان آنها دیده شده باره در یک التفات نموده قرار داده اند تا یکماه در مشهد معتمدت رضایا

### کرمان

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری نرسیده است

### کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته شده بود در سیم ماه بیج الثاني نواب شاهزاده عمادالدوله حکمران کرمانشاهان از شهر بیرون آمد قلععه حاجی کریم که یک فرسخ از شهر دور است رفقه آنکه از آنجا با طرف کرمانشاه بروید و اولاً کرمانشاهان را آنجا حاضر کرده افواج مرزبوره را بتعلیم آداب مشق بخارند که دو ماه هر روز مشق کنند و در مشق را بطور شبانه بیاورند و در روزها مرزبوره از قلععه حاجی کریم روانه آن طرف شده اند و عظامان نیز از آنجا نرفته و در آنجا خان کور و محمد حسین خان کلهر و جاسق خان کزلی با افواج خودشان همراه بوده اند

۶۳۹

احوال متفرقه

در مملکت فرانسه قرار داده اند که کبرس که اطلاق داشته باشد  
 و پول قرض بخوبی از فرانسای صد تومان پنج تومان از دیوان  
 میدهند بشرطی که اطلاق خودش را از دیوان کرد و بگذارد  
 و این قرار داده اند بجهت رفاه حال صاحبان اطلاق اولاً  
 چونکه بعضی از آنها بسیار مقروض اند و ملکشان در کربست  
 و انتفاع زیاد میدهند و از طوریکه در روزنامه آنجا نوشته اند  
 این قرار بسیار خیر و صلاح صاحبان اطلاق است  
 بعضی استیما جان در روی دریا نوشته اند و گفته اند که  
 ما بزرگ در دریای پاره اند که شاید سی چهل ذرع بیشتر دراز  
 داشته باشند اگر مردم ماورائی کنند که اینطور جانور  
 غریب وجود داشته باشد و حکایات اغراق بسیار میباشند  
 اگر چه چهار سال پیش ازین یکی ازین قسم ما را دیده اند  
 و شکاشن ایم کشیده اند درین روزنامه یکی از اهل کشتی که  
 از رستن آمید نسبت به رستن میرفت یکی ازین ما را دیده  
 بودند شخصی از اهل کشتی که این گذارش را نوشته است  
 نزدیک بطر بود و در اطلاق پایین کشتی طعام مجوز یکبار صد  
 کشتیا نهادند به بالا رفه دید که نزدیک کشتی یکی ازین  
 ما را ای بزرگ بود و سر و کروش تا پنج ذرع و نیم باش  
 و نزع از آب بیرون بود و بالی داشت مانند آره و مرغابی  
 ریاد بسم بدو راجع شده بودند و در میان آب که رأ  
 میرفت آب مانده کشتی کو حک میسکافت از زیر کبر  
 کردنش گمان میکردند که بیت و هفت باسی ذرع قد و  
 باشد صاحب کشتی را بطرف او راند و بقدر صد و بیست  
 که مانده بود باو برسد ما را بان فرودت و بعد از یک است

دیگر باز بالا آمد و یکی از صاحب منصبان کشتی شکل او را  
 کشیده و بولایت انگلیس فرستاد  
 در مملکت مصر از عهد فرعون قدیم آثار بسیار مانده است خصوصاً  
 از سنگهای تراشیده عمارات و مقبره و غیره اهل این  
 ازین سنگها را خریده اند از جمله یک سنگ بلند یکبار  
 که نزدیک باسکندریه است و در رویش خط قدیم آن ایام  
 مصر را کنه اند و یکی ازین سنگهای یکپاره قدیم آنجا  
 هم چند سال پیش ازین دولت فرانسه از مصر بولایت  
 خودشان بردند اگر چه اهل انگلیس چند سال است که این  
 سنگ را خریده اند و لکن بولایت خودشان نبرده اند  
 خصوصاً برودن این سنگ رای مردم مختلف است بعضی  
 میگویند که چون آنجا جلال ایام قدیم مملکت مصر است از آنجا  
 برداشتن بولایت دیگر برودن عمل فایده است و بعضی  
 میگویند که چون از خط آن تاریخ قدیم روشن و ثابت شود  
 و در ولایت انگلیس و فرانسه خوب نگاه میدارند با آنجا  
 بهتر از آنست که در ولایت مصر نگاه داشته و تلف بشود  
 اما هنوز بولایت انگلیس نبرده اند  
 سابقاً در مملکت سیام که ما بین هند و چین است پنجاه اهل سیوی از  
 که با آنجا میرفتند بسیار بد میکردند کشتیان فرانسه با آنجا  
 و دو نفر از اهل آنجا را از جانب پادشاه آنجا بزد پایا آوردند  
 و پادشاه سیام بیایا نوشته بود که خاطر جمع باشد  
 که در ایام سلطنت او بعیوسها ظلم و تعدی نخواهد شد  
 مذمب پادشاه و اهل این ولایت مانند کشتی از هند  
 هندوست که بد میمانند

۶۵۰



روزنامه قایم اتفاقیه تاریخ روز شنبه ششم جمادی الاول مطابق سال سی و چهارم

منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعدیات  
یک سطر اخبار  
بهره دین بیست  
در هر پخش



مزد و خدمت  
قیمت روزنامه  
یک سطر اخبار  
در قایم و چوب هزار  
قیمت

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی که بشکار جاهر و تشریف فرما  
گردیده بودند در روز چهارشنبه سحر ماه ربیع الثانی  
بالتوکه والا جلالت بدارالخلافه مبارکه و مقر سلطنت عظمی  
مراجعت فرمودند و بسبب کثرت بارندگی و برف  
از بر قبیل شکار فراوان شده بود و بقراری که در روزنامه  
سابقه نوشته شده بود با غلبه شکار در کان عظام و خان  
حرم و چاکران در باره یون و سفرای دول متجا به علما  
و فضلا که در مکه بمسایون بودند شکار حجت گردید

تقطیل امیر الامرا العظام اجودان باشی و مبران پیچید  
سیر سپان و سر مکان و کل صاحب منصبان هر روز  
در مدرسه مزبور حاضر شده تا دو ساعت اردو  
کنند در نزد عالیجاه قولول مطران صاحب تحصیل علم  
جنک مشغول اند و کمال مهارت را بتصدیق قولول  
بهم رسانده اند

نظر بحسن خدمات عالیجاه مقرب انخاقان میرزا فتحعلی خان  
ستوبی که در خدمات محوله بخود حسن تمام را مری  
در خاکپای مایون مستحسن مقبول افتاده لهذا اموازی بک  
زمه طاعت در حق او در حجت و عنایت فرمودند

امورات قسطنی

چنانکه در روزنامه های گذشته نوشته شده است نظر  
بانهامی که اعلیحضرت پادشاهی در انتظام امر مدرسه  
دارالفنون دارند حسب الامر مایون تمامی ایام مقرر را گذرانده

در باب کسوف جرج اردبیل و مشکین اولیای دولت قاهره  
یا در فوج عزیز را با یک نفر تفنگدار اعلیحضرت پادشاهی  
حب الاشارة العلیه روانه نمودند که کسوف مزبور را  
گرفته بعد از عید سوب سلطانی برکاتب مایون حاضر  
و سه خین فرار فوج رضا را داده اند که هفت و پنجاه نفر  
سجوی و سلما سن و اردوی موافق خانواری قیمت نمودند  
سر باز بگردد تا بکسی ظلم و تعدی نشود و یک نفر صاحب  
بایک نفر محصل مامور شد که کسوف مزبور را تمام و کمال  
گرفته بعد از عید نوروز آنها را بر کاتب حضرت اقتساب  
مایون حاضر سازند

از آنجا که رای جهان آری هالیون بر استقامت امر مدبر و الفنون  
و زنی متعلین فریاد است لند انحضرت نقد و تلمیح خسر وانه  
در روز شنبه سیم متعلین را بحضور هالیون احضار فرموده گفت  
مراتب تعلیمات آنگاه شد و یکی بواسطه اینکه لازمه جد و جفا  
کرده بودند مورد نوازشات بگوگاشته

عالیجاه بازون کومنتس صاحب منصب دولت تیره او شیر با کوه  
و دسال خدمت باین ملک آمده بود پیش از انقضای خدمت  
منسکب معاذ بر چند کرده مستعدی خست شد دولت علیه  
بسم از راه غریب نوازی استعاضی او را قبول و بعد از آن  
فخره انعام و احسان و موجب آید وقت تاروز مرضی او پانصد  
تومان بصیغه انعام بخصت توان قیمت یک طاقه شالی خلعتی  
با یک قطعه شان شیر و خورشید از مرتبه دوم باو عنایت کرد  
تا شاکر و خوشنود بوطن خود مراجعت نماید

نظر بحسن قابلیت عالیجاه نور محمد خان سربس سواره باجلان  
و نجیب ساری عالیجاه شارا که سپرده و ابواب جمع فرمودند  
و فرمان خلعت باو بخشیدند  
احسب این شهر

از فرار یک در روز نامه شهر نوشته بودند درین اوقات  
سبب کثرت بارندگی و برف بعضی از خانها و دکاکین  
فی بعضی خرابی رسیده از جمله سقف دکان مشتمل بتمام قریه  
خراب شده چند نفر در زیر خرابی مانده بودند آنها را از  
سکته بیرون آوردند اما کسی تلف نشده بود و هم چنین خان  
علی سبزی کار در محله عود لاجان یک طاقی که زن و بچه در او  
خوابیده بوده اند شبانه خراب شده و دوسه تبر که محاذی  
سر آنها بوده است بعد از سنگسار و رطابچه کبر کرده بطوریکه با آنها

۶۴۲

اذیت نرسیده بوده است و بعضی خرابی بجانها و دکاکین  
و حمامها نیز رسیده است و لکن از فرار یک نوشته بودند

### تلف شد است سایر ولایات

از فرار با بجان از فرار یک در روز نامه از فرار با بجان نوشته  
بودند یک نفر شیپورچی در شهر تبریز شراب خورده و در بار  
بجستی و شرارت مسکوره است او را گرفته و تبره و استیلا  
حسنت الدوله صاحب اختیار ملک از فرار با بجان آورده بودند و با  
معزای اله حکم قتیبه آن نموده بودند گفته بود مرا مرید یک نفر  
در دست او را نشان بدسم و یک نفر جبار نام نشان  
داده بود جبار را گرفته و در فضای او را جوباشده بودند گفته  
چهار نفر رفیق دیگر دارم در اردن این اتراب است پانزده نفری است  
محصل فرستادند و رفقه آن چهار نفر گرفته آوردند و تحقیق  
معلوم شده بود که این اشخاص مدعی بوده است که بنیدیح خانها  
مردم را می بریده اند چنانچه از خانه نفر که باشم و رسم است  
کرده و اموال و اسباب برده بوده اند اموال مسروقه سردار  
و بصاحبانش تسلیم گردید

هم چنین نوشته بودند که از دروازه جیبان صغیر ساری  
گرفته بودند و درین مطالبه اموال مسروقه معلوم شده بود که آن  
کار شارقیدی او بوده و در دست و سه سال از فرار در خانه  
در خانه و نام دیگر از خانه جیبان در در خانه در دست  
مردم دزدی کرده بود اموال مردم را تمام و کمال گرفته رد کردند  
و ضعیف ساری را نواب حسنت الدوله اخراج طلب نمودند

در خانه و نام دیگر از خانه جیبان در در خانه در دست  
مردم دزدی کرده بود اموال مردم را تمام و کمال گرفته رد کردند  
و ضعیف ساری را نواب حسنت الدوله اخراج طلب نمودند

و ششم چنین دو سال قبل ازین از خانه عالیجاه میرزا احمد  
جهان شاهی امرالی سرفت شده بود بسیار تفحص کرده و بناقد  
بودند تا درین اوقات بجای او راوردست عباس بن کیکاووس  
مندی دیدند او را گرفته نگاه داشته اند که امرال سرفت  
از او دریافت شود

دیگر در روزنامه تبریز نوشته بودند که این اوقات  
ادمهای علی افندی از ساوجبلاغ به تبریز می آمدند  
در بین راه سه رس قاطر و قدری اسباب  
ادمهای مشارالیه سرفت کرده بودند نواب شاهزاده  
حشمت الدوله محصل فرستاده اموال و اسباب آنها  
تمام و کمال گرفت با قاطر اصحابش رد کرده اند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه حاج میرزا احمد خان صلحکننده  
مقیم استانبول در روز شانزدهم ماه ربیع الثانی وارد  
تبریز شده و نواب شاهزاده کمال احترام از او فرمودند  
و در روز نهم و چهارم ماه فروردین معتمد بوده از آنجا  
روانه گردید بامت

دیگر در روزنامه تبریز نوشته بودند که بعضی اخبار از آن  
در خوی انتشار یافته بود که قدری باعث شستی امور بود  
محمد حسین میرزا حاکم خوی شده بود نواب شاهزاده حشمت  
یکتوب چینه ترمه برای نواب معزی الیه خلعت فرستاد

در روزنامه های گذشته نوشته شده بود که نواب شاهزاده  
حشمت الدوله عالیجاه قهر علیجان حاکم دار السلطنه تبریز حکم  
فرموده بودند که از کدخدایان شهر صورت کشی و سیاه کشی  
صیقل

از ناخوشی و با از هر محله فوت شده اند با وقت تمام  
نویسند بدیند از قرار یکم که خدایان صورت و ثبت  
نوشته و داده اند از نه محله تبریز چهار هزار و ششصد  
نفر ازین ناخوشی فوت یافته اند

دیگر نوشته بودند که افواج دهم خوی و خیم ایلات  
دشتم و دویتم حضرت و ششصد نفر توپچی که حسب الامر  
اولیای دولت قاهره احضار بدربار مسایون شده اند  
مقرب انخافان وزیر نظام بحکم نواب مستطاب شاهزاده  
حشمت الدوله احکام صادر کردند که مواجب سه ماهه اول  
محل سینه آتیه او و نبل افواج فرجوره را از محل خودشان  
داوده روز بعد نوزده سلطانی مانده در تبریز جای  
باشند که مواجب سه ماهه ثانی را نیز در اوطاق نظام  
باشند عالیجان شکر نوبان عظام داده روانه

دارالمرز  
درین مهفته از مازندران و گیلان اخباری نبود که در روزنامه نوشته

### فارس

نواب شاهزاده و ابان نصره الدوله صاحب خیم فارس برای زیارت  
خاک پای طالبون غنیت دار انجلا فطران و چون امیر نظام است  
انجا الزم بود اولیای دولت قاهر آمدن او را صورت ندیدند محفل طلب  
احکام اولیای دولت نظام محکم و الحاح حکم را بر زیارت خاک پای  
مرجع داشته معاهدت نمود نسبت بامرات رفه اند و از جانب  
علیه حضرت پادشاهی یکتوب قنای ترمه و یک شکر نوبت مرصع برای آن  
مغزی الیه محبت نموده ارسال فرمود

### عراق و خراسان

ازین دوه لایت نیز درین مهفته اخباری نبود که در روزنامه نوشته

۶۴۳

ش

### کرمان

بهنظام

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته شده بود امیرالامرا  
 محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در نظام  
 امرولاست و تمهید اسباب ایش آنجا همسوار کمال  
 انتظام و مراوت را دارد و در هر یک از منازل خاک کرمان  
 معدودی از تفکیمی که است است که مشغول حفظ و حرا  
 طرف و شوارع باشند و برای عابرین و مترودین  
 بکنوع الیمان و اساس از تعرضات قطاع الطريق  
 حاصل شود

از قرار یک نوشته شده بود افواج متوقیفین کرمان هر روز  
 در باغ نظر مشغول مشق و اموضن قواعد و آداب نظام  
 هستند و با کمال نظم حرکت می کنند و امیرالامرا  
 مقرب انخافان محمد حسن خان سردار در انتظام امر فواج  
 اهتمام زیاد دارد از جمله نوشته بود که دو نفر از سربازان  
 شراب خورده و در کوچه بستی و شرارت می کرده اند  
 مقرب انخافان مشارالیه بعد از استحضار بر این  
 داده اند آنها را در وسط شهر بتا زبانه بسته قید  
 نموده اند که با مجرت سایر سربازان باشد بعد از این  
 از آنها رگب شرب و شرارت و بیگانه اعمال باقی  
 نماند

دیگر نوشته بود که فوج بهادران تبریزی تومان سبیم  
 از مشق کردن و اموضن قواعد نظامی خود را معاف ندارند  
 عالیجاه علی بن قی خان سرینب مراجب حیره آنها را تمام کمال  
 فردا خواهد آمد و بعضی با هم میگرد و بعضی از آنها که بهر ای  
 عالیجاه محمد تقی بیک او را مو بکف و حرست قلم نمهند

بسیار خوب در خدمت حرکت کرده اند و اغلب اوقات  
 عالیجاه موسی خان از طریق حسن سلوک آنها کاغذ رضایت  
 می نویسند و باقی نیز که در شهر کرمان مستحفظ میباشند این شهر  
 کمال رضامندی را از آنها دارند

### کرمانشاهان

درین هفته ازین ولایت اخباری بنویسد که در روزنامه  
 کرمانشاهان

### کردستان

از قرار یک در روزنامه سنجج کردستان نوشته شده  
 بود زوجه سید محمد نام در حالتی که حمل داشتند و بیست  
 استن بوده است ناخوشی بر او عارض شده که ازین ناخوشی  
 سر او خون متقاطمی شده است اطیبای آنجا از شخص  
 مرض و مداوی آن عاجز شده بوده اند تا اینکه سید  
 تفصیل ناخوشی او را حکیم حق نظر و لد حکیم اسمعیل بیان  
 کرده مشارالیه بعد از رجوع بکتاب طبیند گفته بوده است  
 که برای این ضعیفه مضد نافع است و بعد از نصف بغیغین  
 از دماغ او نازل شده خوب میشود سید فریور بتدبیر  
 او عمل کرده ضعیفه را فصد نموده است بعد از ن ساعتی خون  
 از دماغ ضعیف جاری شده و بحال آمده خوب گردیده است  
 و هیچ ضرری رسم بحمل او نرسیده است چون این مرض  
 و معایب آن بک نوع غرابی داشت در روزنامه گزشت نوشته  
 شد

دیگر نوشته بود که در آن ولایت نهایت ایش و انتظام  
 و فراوانی و ارزانی حاصل است و مالی آنجا کمال سودگی  
 دارند و هوای آنجا بسیار خوب است دو بار برکت کمی با  
 آمده است و لکن بسیار ایش و سرما چندان شدت ندارد